

از حقوق دمکراتیک مردم و آزادیهای سیاسی نیروهای ضد امپریالیست دفاع کنیم

● دولت باید سرسپردگان چماقداران را که برای مردم

شناخته شده هستند دستگیر، محاکمه و مجازات کند

در صفحه ۳

بیکاری، گرانی، تفرقه و دشمنی زمینه ساز کودتا ست

مجلس آینده نگر نیست

در حالی که بر اثر فشارهای امپریالیست ها و سودجویی سرمایه داران وابسته، بیکاری، گرانی و خانه به دوشی زندگی را بر میلیون ها مردم زحمتکش میهن ما تنگ کرده است. در حالی که اقتصاد کشور را مشتی تجار مفت خورده بازاری در چنگ خود گرفته و به غارت دسترنج کارگر و دهقان و زحمتکش مشغول شده اند، در حالی که موج نارضایتی توده ها از جمهوری اسلامی روز به روز بیشتر می شود، در حالی که تولیدات صنعتی کشور بر اثر محاصره اقتصادی امپریالیست ها و بی برنامه گی حکومت جمهوری اسلامی برای درهم شکستن آن به کمتر از ۴۰٪ ظرفیت تولیدی کارخانجات رسیده است، در حالی که همین عوامل باعث شده اند کسر بودجه، کاهش ذخیره ریزی و افزایش بدهی های دولت ابعاد سرسام آوری یابد، مجلس شورای اسلامی ایران به جای پرداختن به درمان واقعی اقتصاد کشور، برنامه ریزی برای افزایش تولیدات صنعت ملی، حمایت از کشاورزی، تامین کار برای زحمتکشان، کاستن از بار گرانی، تامین مسکن و دیگر مایحتاج مردم زحمتکش یک رشته مشاجرات بی پایان را آغاز کرده است که ربطی به زندگی و مسایل و دردهای توده مردم زحمتکش ندارد.

هنوز بازرگانی خارجی ایران و معاملات عمده فروشی در انحصار مشتی تجار احتکارگر صاحب سرمایه بازار است. و این نظمی است که مجلس شورای اسلامی بطور جدی در فکر برهم زدن آن نیست. حتی جناح های نیرومندی در مجلس خود حافظ ادامه این اوضاع هستند. زمینه سازی هایی که از هم اکنون... بقیه در صفحه ۲

باندهای جنایتکار بختیار پالیزبان را

با بسیج زحمتکشان غرب سرکوب کنیم

روستاها گروگانگیری و آدمکشی در جاده ها و سایر اقدامات جنایتکارانه خود می افزایند. عملیات این گروه های مسلح که مسعیما توسط فرماندهان فراری ارتش و شاواک آریامهری از خاک عراق سازمان داده می شوند، بقیه در صفحه ۵

عرب میهن ما - پالیزبان، سردار جاف و... کرمانشاهان و ایلام - هم اکنون لحظات حساسی را از سر می گذرانند. باندهای ضد خلقی و جنایتکار بختیار، خرابکاری، چپاول و غارت

پیروزی باد آرمان انقلابی رفقای شهید

موج اعدام فرزندان انقلابی خلق

خشم و نفرت مردم را از این جنایات وحشیانه برانگیخته است

خوزستان، فارس، کرمان، اندیمشک، گنبد و تهران دهها تن از هواداران سازمان ما دستگیر و تنها در دو هفته اخیر بعد از اعدام رفیق شهید دکتر تربیعی سا ۵ نفر دیگر از رفقای ما را به

خطرناک تر و هشدار دهنده تری به خود گرفته است. در این میان به ویژه دادگاه های انقلاب اسلامی اهواز و کرمان جای خاص را به خود اختصاص داده اند. طی چند هفته اخیر به دستور حکام شرع دادگاه های انقلاب اسلامی در گیلان،

* زحمتکشان جهان بدانند که تنها طی دو هفته اخیر در چهار شهرستان ۵ نفر از رفقای ما را به جوخه اعدام سپرده اند.

موج دستگیری و اعدام انقلابیون در جمهوری اسلامی ایران هر روز ابعاد

بقیه در صفحه ۱۲

شاه را بگور سپردیم

امپریالیسم امریکا را نیز بگور خواهیم سپرد

با مرگ شاه، زندگی یکی از منفورترین دیکتاتورهای جهان به پایان رسید. دیکتاتوری که بساط فرمانروایی غارتگرانه آن را مردم قهرمان ایران با قیام ۲۲ بهمن ۵۷، واژگون ساختند.

پایان حکومت و زندگی شاه، سرنوشت محتوم همه کسانی است که در پیوند با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، با غارت و بهره کشی خلق های جهان خیمه گاه فرمانروایی خود را بر پا می دارند. نابودی رژیم شاهنشاهی و فرار و در بدری و مرگ شاه که به قدرت لایزال توده های میلیونی مردم ما صورت گرفت بزرگترین گواه این حقیقت است که اراده میلیونی مردم تعیین کننده

در این شماره:

ارتش در کردستان چه می کند؟ در صفحه ۲

* رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق دشمن خلق های پاکستان و منطقه و نوکر سرسپرده امپریالیسم امریکا

(فصل دوم) در صفحه ۱۳

تقی شهرام، اجازه نداد دادگاه از محاکمه او علیه نیروهای انقلابی بهره برداری کند. در صفحه ۱۲

سیاست های دولت و مشکل مسکن

در صفحه ۱۲

انقلاب جهانی



در صفحه ۸

انقلاب گویا: تجارب و دستاوردها

(فصل سوم) در صفحه ۲۰

نقش سرمایه داران وابسته در افزایش گرانی

سانسور، جعل، تحریف حقایق علیه نیروهای انقلابی،

سیاست اکثر مطبوعات حکومتی است. در صفحه ۱۰

اخبار کارگری

در صفحه ۱۶: کار و تلاش در فضای آلوده کارگاه - شورای کارخانه نقش وین تنها به اتکای حمایت ارتشورا - خود در کارخانه غلظت - شورا نوشته چی می کند - و صدایان سرمایه داری - اخبار انجمن آملی این را مداوم بخشد - شعار "شورا این شورا" - در صفحه ۱۶

کوششیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

ارتش در کردستان چه می کند؟

● فرماندهان خائن ارتش در کردستان با دستجات مسلح وابسته به امپریالیسم همکاری می کنند

● ارتش در کردستان مردم بیگناه را بمباران می کند و مزارع را به آتش می کشد

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که همواره در راه استقرار صلح در کردستان کوشیده است ، بار دیگر به مقامات مسئول جمهوری اسلامی هشدار می دهد که ادامه سیاست کنونی دولت در کردستان ، نه تنها خطر جنگ برادرکشی را در کردستان افزایش می دهد ، بلکه بیش از همه مهمتر از همه باعث شده است که نیروهای ضد انقلابی و محافل وابسته به امپریالیسم چنان در غرب کشور تقویت شوند که هم اکنون به صورت یکی از بزرگترین خطرات انقلاب مردم ایران را تهدید می کنند . گزارش زیر که شاخه کردستان ارسال داشته است ، گوشه ای از نتایج سیاست کنونی جمهوری اسلامی را نشان می دهد :

اعزام واحدهای ارتش به کردستان همچنان ادامه دارد تاکنون نیروهای زیادی از شهرهای کرمانشاه ، قزوین ، ارومیه ، مراغه ، اردبیل ، اصفهان ، اهواز ، تهران و حتی مشهد به کردستان سرازیر شده اند . مقامات مسئول دولت جمهوری اسلامی می پندارند که حاکمیت دولت در کردستان برقرار شده است و یا به تدریج برقرار می شود و برای این کار هرچه بیشتر می خواهند نیروهای ارتش را به کردستان اعزام کنند حال آنکه اعزام این همه نیروی نظامی پیش از آنکه به برقراری حاکمیت دولت جمهوری اسلامی بیانجامد ، به تقویت و تمرکز محافل و نیروهای سلطنت طلب ارتش در کردستان منجر شده است در میان نیروهای اعزامی به کردستان واحدهای "گلاسه سبز" "گارد جاویدان" و نیز بسیاری از افسران سلطنت - طلب دزباز به چشم می خورند که امروز در کردستان آشکارا به نفع رژیم سرنگون شده شاه و باند اوپسی - بختیار تبلیغ می کنند . این مزدوران شاهنشاهی ضمن اینکه خود در سرکوب مردم و گسترش جنگ در کردستان فعالانه شرکت دارند ، سعی می کنند یا استفاده از نارضائی های توده های خلق کرد که ناشی از سیاستهای سرکوبگرانه حکومت جمهوری اسلامی است آنها را هرچه بیشتر به انقلاب بدبین و برای امپریالیسم آمریکا ، و فرماندهان فراری ارتش تبلیغ کنند .

در همین حال در مناطق مرزی قصر شیرین هزاران

به کردستان را یک امر عادی یا تصادفی نمی دانیم . این سیاست ضدانقلابی که توسط فرماندهان ضد خلقی در ارتش و محافل سرمایه داران لیبرال پیاده می شود . جز تقویت و تمرکز نیروهای نظامی طرفدار امریکای جنایتکار در کردستان هدف دیگری ندارند آنها به خوبی می دانند که دولت به دلیل سیاستهای سرکوبگرانه پایگاهی در بین توده های خلق کرد ندارد بنا بر این کردستان را محل مناسبی برای تمرکز و فعالیتهای ضد مردمی خود تشخیص داده و ضمناً از طریق مرزهای غرب کشور به آسانی می توانند با عوامل فراری رژیم سابق در عراق ارتباط برقرار کرده و برای توطئه علیه مبارزات مردم ایران و لووت کردن جنبش حق طلبانه خلق کرد ، دست به اقدام مشترک بزنند در چنین شرایطی عدم موضع گیری قاطع برخی نیروهای سیاسی کردستان در مقابل این مزدوران و دیگر عوامل و محافل وابسته ، هرچه بیشتر به آنها میدان داده است و دست آنها را در فعالیتهایشان بازتر کرده است .

فرمانده پادگاه سقز که از افسران طرفدار شاه است و اخیراً به این سمت منصوب شده است طی سخنرانی ای که در پادگان برای پرسنل ایراد کرده است اظهار داشت که : "ارتش در زمان شاه دارای انضباط خوبی بود ، پرسنل ارتشی باید همچون گذشته با انضباط باشند ! ما باید در تبدیل ارتش به یک ارتش مدرن و قوی بکوشیم ، ارتش ما باید مثل ارتشهای مرفقی آمریکا ، انگلیس ، آلمان و فرانسه باشد ! تا بتوانیم مثل گذشته آرامش را در کشور برقرار سازیم !"

ما در رابطه با تمرکز و تقویت نیروهای نظامی وابسته به رژیم سرنگون شده شاه جنایتکار در کردستان به همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه و نیز به دولت جمهوری اسلامی هشدار می دهیم . سیاستهای سرکوبگرانه و نادیده گرفتن حقوق دمکراتیک خلق کرد از طرف دولت جمهوری اسلامی بیش از هر عامل دیگر در رشد و تقویت این مزدوران و دیگر عوامل وابسته موثر واقع شده است .

مجلس آینده نگر

بقیه از صفحه ۱
صورت می گیرد حاکی از آن است که مجلس سیاستی در برابر سازمان های سیاسی مترقی و انقلابی پیش گرفته است که می خواهد کشور را به سوی آشوب و هرج و مرج سوق دهد .

ترکیب مجلس حاکی از آن است که اکثریت آن در برابر امپریالیسم آمریکا و تجاوزات آن ایستادگی خواهد کرد . بسیاری از سران خائن عشایر ، سرمایه داران بزرگ ، زمینداران بزرگ و فئودال ها ، باندهای ضدانقلابی وابسته به امپریالیسم و دیگر مرتجعین با این مجلس و این حکومت درگیر خواهند شد . در این میان ایستادگی اکثریت مجلس شورای اسلامی در برابر نیروهای وابسته به امپریالیسم مورد حمایت فعال نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست قرار خواهد گرفت . اما مجلس خود سیاستی را در پیش گرفته است که این حمایت را تقویت نمی کند . زیرا مجلس بجای متحد کردن مردم علیه دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم آمریکا راه تفرقه افکنی ، راه هرج و مرج را پیش گرفته است . مجلس شورای اسلامی در یک هفته اول کار خود جز مشاجرات لفظی نمایندگان ، جز پرداختن به مسایل فرعی جز تشنج سازی و درگیری بین نمایندگان کاری از پیش نبرده است .

در این شرایط حساس که درگیر مبارزه های سخت و سرنوشت ساز با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستیم ، بی برنامه گی مجلس و عدم توجه آن به زندگی مشقت بار مردم ، بی کاری و گرانی را باز هم بیشتر تشدید خواهد کرد . به گونه ای که تو گوئی این مجلس اسلامی عهد کرده است تا جایی که می تواند خود را از پشتیبانی مردم محروم سازد و حتی خشم آنان را نسبت به خود برانگیزاند .

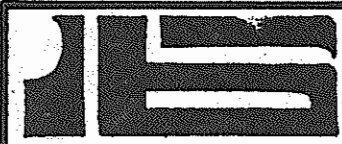
توگوئی این حکومت اسلامی عهد کرده است که تمام نیروی خلق را که در آغاز انقلاب به همراه داشت در کمتر از دو سال تماماً از دست بدهد . چیزی که در تمام انقلاب های معاصر بی سابقه است .

اکنون مجلس سخت درگیر انتخاب نخست وزیر و ترکیب کابینه است . نخست وزیر آینده و ترکیب وزیران وی پاسخگوی مسایل بسیاری است که از هم اکنون برای مردم مطرح است . انتخاب نخست وزیر و ترکیب کابینه نیز نشان خواهد داد که مجلس شورای اسلامی تا چه حد مصالح مردم زحمتکش و آینده میهنان را در نظر داشته است . آنچه در این زمینه قطعی است آن است که مجلس زیر بار دولتی با سیاست های گام به گام نخواهد رفت که این خود هر چند نکته ای کاملاً مثبت است اما به تنهایی برای جلب حمایت مردم کافی نیست . روی کار آمدن نخست وزیر و کابینه ای انحصار طلب ، قشری و تنگ نظر قطعاً زمینه ساز سرکوب و هرج و مرج و تشدید نابسامانی های زندگی مردم میهنان خواهد شد و این کابینه ای است که بطور قطع هیچ آینده ای نخواهد داشت و نیز ممکن است کشمکش بر سر انتخاب نخست وزیر و ترکیب کابینه ادامه یابد که این شکارترین نشانه بحران سیاسی عمیقی است که جمهوری اسلامی ایران گرفتار آن است .

می بینیم که تشدید بحران اقتصادی و بحران سیاسی توأم با سردرگمی حکومت و تشدید ناراضی های مردم از حکومت زمینه شکل گیری جریان های ضد انقلابی و وابسته به امپریالیسم و توطئه چینی آنها را بیش از هر زمان دیگر فراهم آورده است .

از این رو بیش از هر زمان دیگر وظیفه سازماندهی مبارزه کارگران و زحمتکشان و هدایت آن در مسیر مبارزات ضد امپریالیستی و وظیفه آگاه کردن مردم از خطرات رشد جریان های ضد انقلابی و خطر روی کار آمدن رژیم های امریکائی وظیفه مبارزه علیه هر نوع تفرقه و دشمنی افکندن بین مردم ، وظیفه متحد کردن توده ها علیه دشمن مشترک امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلی آن بر عهده نیروهای انقلابی و مترقی قرار گرفته است .

رفقا ! بیش از هر زمان مردم نیاز دارند که به میان آنها برویم . با آنها صحبت کنیم مواضع خود را با آنها در میان بگذاریم و پیوندهای استوارتری با آنان به وجود آوریم . هیئات اگر مردم را تنها بگذاریم .



از حقوق دمکراتیک مردم و آزادیهای سیاسی نیروهای ضد امپریالیست دفاع کنیم

● دولت باید سر سپردگان چماقداران را که برای مردم شناخته شده هستند دستگیر، محاکمه و مجازات کند

روز شنبه در همان ساعاتی که دستجات اوباش مثل همیشه عربدهکشان خیابانهای اطراف دانشگاه تهران را قرق کرده بودند، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران اعلامیه دادستان کل کشور را که برای حمله به احزاب و مطبوعات ممنوعیت شرعی و عرفی قائل شده بود، قرائت کرد. مقامات رسمی این بار هم مثل گذشته وعده دادند که مسبب این اعمال شناسائی و مجازات خواهند شد. اما در همین حال یکی از شناخته شده ترین سردستانان چماقداران که تا کنون عامل خونریزی و جنایتهای زیادی بوده است، با صراحت اعتراف می کرد که مهاجمان را هدایت کرده و بر عملیاتشان نظارت دارد. حجت الاسلام غفاری سازمانده و الهام بخش اوباشان چنین گفت: "ما تا کنون فاشیست بازی در نیاموردم ولی از این به بعد فاشیست بازی در می آوریم. تصمیم ما بر این است که تمام دفاتر و سازمانهای غیر از خط امام را بگیریم"

هادی غفاری تجسم کامل سیاستی ارتجاعی است که توان تحمل هیچ سازمان و دسته سیاسی غیر از خود را ندارد و فارغ از قید و بند هرگونه قانون با چماق فرمان انحلال احزاب و ممنوعیت نشریات را صادر می کند. این سیاست نشانه از تحجر سیاستی است که در عرصه مبارزات سیاسی-ایدئولوژیک جامعه ما کارش به ورشکستگی کشیده شده و خود را قادر به مبارزه سیاسی در شرایط دمکراتیک نمی بیند. این سیاست بیانگر ناتوانی های قشری است که مضطرب و آشفته به همه کس و همه جا هجوم می برد بی آنکه قادر باشد دوست و دشمن را بشناسد.

هادی غفاری نماینده مجسم آن سیاستی است که در جمهوری اسلامی ایران بیشترین دشمنی را با حقوق دمکراتیک و آزادیهای

سیاسی مردم از خود بروز می دهد. این سیاست ضمن دشمنی با سرمایه داران لیبرال و مخالفت با کلوپهای علنی جاسوسان امپریالیسم آمریکا مانند حزب رنجبران، در دشمنی با نیروهایی که در جبهه مردم قرار داشته و فعالیت های آنان مضمونی مردمی و ضد امپریالیستی دارد نیز کور و لجام گسیخته اقدام می کند و به این ترتیب مرز دوستان و دشمنان مردم را به هم می ریزد، پراکندگی صفوف مردم را دامن زده و به تقویت جبهه ضد انقلاب یاری می رساند.

جریانی که هادی غفاری ها آن را نمایندگی می کنند، در وجه سرکوب نیروهای ضد امپریالیست از حمایت کامل امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن که در خیلی از موارد زیر پوشش دفاع از اسلام عمل می کنند، برخوردار است. از این رو ساواکی های شناخته شده، اعضای دستجات امریکائی افغانی از جمله جاسوسان سه جهانی در میان شان فعالانه حضور دارند.

این سیاست که بستر مساعدی در جمهوری اسلامی ایران برای رشد یافته است، امروز در ابعاد وسیع تری آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم را تهدید می کند. امروز دستجات متعددی بر این پایه سازمان یافته است. تهاجم قه به دستان سیاه پوش که در روز یکشنبه گذشته در خیابانهای اطراف دانشگاه شاهد آن بودیم، ابعاد خطراتی را که از ناحیه چنین سیاست های انقلاب مردم ما را تهدید می کند، آشکارتر از هر زمان دیگری نشان می دهد.

ما سیاست خود را در زمینه دفاع از آزادی های سیاسی و مقابله با چماقداران و جاسوسان آمریکا بارها به صراحت اعلام کرده ایم. در برنامه حداقل سازمان ما یادآوری شده است که حقوق دمکراتیک همه نیروهای ضد امپریالیست باید تضمین شود

در تعقیب همین سیاست بود که در هفته های نخست قیام، زمانی که بازگان و جاسوس آمریکا، امیرانتظام برای خوش رقصی در برابر امپریالیسم آمریکا قصد داشتند با این بهانه که قوانین جدید هنوز تدوین نیافته، "حزب توده" را ممنوعه اعلام کنند و نخستین گام را در ممنوعیت فعالیت نیروهای سیاسی ضد امپریالیست بردارند، ما با سیاست دولت بازگان مقابله کردیم و از فعالیت آزاد "توده ایها" و دیگر نیروهای ضد امپریالیست قاطعانه دفاع کردیم.

امروز نیز سازمان ما بمتابیه نیروئی که بطور پیگیر از آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم دفاع می کند وظیفه انقلابی خود می داند که حملات اخیر به نیروهای ضد امپریالیست را که به نحوی گسترده علیه اغلب نیروها و سازمان ها و جریانات ضد امپریالیست از جمله مجاهدین خلق، کانون معلمین مسلمان، "حزب توده" و ... صورت گرفت، محکوم نماید.

ما همچنانکه بارها اعلام داشته ایم خواهان درهم شکستن احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال و کلوپ های علنی جاسوسان سیا و پنتاگون، مبلغین تئوری سه جهان و دار و دسته امپریالیستی "حزب رنجبران" هستیم.

با اینهمه تاکید می کنیم که مبارزه با دشمنان مردم ما نمی باید به حمایت و دفاع از اقدامات شبه فاشیستی غفاری ها و دار و دسته اوباشان سیاه پوش بیانجامد. زیرا اعتقاد داریم که چنین حمایت غیر اصولی آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و به سرمایه داران لیبرال و دوستان و جاسوسان امپریالیسم فرصت می دهد تا خود را به عنوان جریانات مدافع آزادی های سیاسی معرفی نمایند و توده های مردم را بسوی تبلیغات و رادیوهای کذائی خود جلب

کنند. اقدامات کور، ضد دمکراتیک و "فاشیست بازی های" حجت الاسلام هادی غفاری و دار و دسته او بیشترین زمینه را برای عوامفریبی جبهه ملی، جریانات سه جهانی و سایر محافل و دستجات لیبرالی فراهم ساخته و به آنان حقانیت بخشیده است.

پاسداری از آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم به نیروهای ضد امپریالیست، ترقیخواه و انقلابی امکان بیشتری می دهد که با افشای محافل لیبرال و جاسوسان سه جهانی برده از چهره کثیف آنها بردارند و رابطه ای را که بین منافع آنان و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا وجود دارد، آشکار کنند و دشمنی آنان را با انقلاب مردم و منافع کارگران دهقانان به تمامی مردم ایران بشناسانند.

سازمانگری سیاسی زحمتکش و متشکل ساختن مردم برای مبارزه های پیگیر و تا به آخر با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا تنها راه مقابله و مبارزه با متحدان داخلی امپریالیسم است. چه تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی به معنی مبارزه متشکل و آگاهانه با پایگاه داخلی امپریالیسم و نیروهای متحد و داخلی امپریالیسم در داخل مرزهای کشور است.

ناتوانی جمهوری اسلامی ایران، در دفاع از آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم، حتی در آن حدودی که در قانون اساسی جمهوری تصریح شده است اینک برای "توده ای ها" که همواره سیاست ارتجاعی در جمهوری اسلامی ایران را پرده پوشی کرده و آن را نادیده گرفته اند، حاوی درس های تازه ای است. چه بر خلاف تبلیغات "حزب توده" سیاست های ضد دمکراتیک و ارتجاعی در جمهوری اسلامی ایران جدا

از سوء یا حسن رفتار طرف مقابل واقعیت دارد و ریشه آن در خصوصیت جمهوری اسلامی ایران است که از هادی غفاری و از اعمال وحشیانه چماقداران در چهارگوشه ایران حمایت می کند و آنان را به قانونگذاران این جمهوری منصوب کرده است.

اگر اقدامات گروه های آنارشیزست در شدت دامنه این حرکات لجام گسیخته موثر بوده است، سیاست های تسلیم طلبانه و رفرمیسم "حزب توده" نیز خود همواره مشوق این جریان واپسگرا در حمله به آزادی های سیاسی و سلب حقوق دمکراتیک مردم بوده است. آن یک محرک تنگ نظری و این یک مشوق آن و هر دو به شدت زیانبارند.

اینک بر دولت جمهوری اسلامی است که با توجه به اینکه سردستانان چماقداران و حامیان آنان بیشترین صدمات را به وحدت مردم وارد ساخته و عملاً در خدمت منافع امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن قرار دارد، در دستگیری، محاکمه و مجازات این عناصر بیش از این مسامحه و تعلل از خود نشان ندهد. بدیهی است که وقتی سردستانان چماقداران شناخته شده اند، در صورتی که دستگیر و محاکمه و مجازات نشوند، هرگونه عواقب وخیم اعمال ضد انقلابی آنها مستقیماً بر عهده مقامات مسئول دولت جمهوری اسلامی ایران است.

با این همه ما بار دیگر اعلام می داریم که بسیج آگاهانه مردم در دفاع از آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک و اتحاد عمل همه نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه در پیشبرد مبارزه های اصولی و همه جانبه با سیاست ها ارتجاعی نیروهای که حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی را به مخاطره انداخته اند، ضامن اصلی مدافعی است که از آن سخن گفته ایم.

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که
در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

(قسمت سوم)

گرانی درد بی درمان سرمایه داری وابسته

نقش سرمایه داران وابسته در افزایش گرانی

چندانی در ماهیت وابسته این صنایع و کنترل انحصارات امپریالیستی بر آن به وجود نمی‌آورد. ۳- این قانون تنها شامل واحدهای تولید می‌شود و شرکتهای تجاری از آن مستثنی هستند. بنابراین سهام همین ۵۲ نفر در شرکتهای تجاری وابسته به تملک دولت درنیامد.

حال ببینیم این قانون دست و پا شکسته تا چه اندازه توانسته (و می‌تواند) مانع عمل سرمایه‌داران وابسته گردد؟

صنایع وابسته ایران بخشی از زنجیر شبکه امپریالیستی جهان است. این صنایع که تکنولوژی و روشهای فنی تولید آنها به وسیله انحصارات امپریالیستی و بنا بر الزامات آنها تعیین شده است، از جهت مواد اولیه صنعتی، قطعات منفصله (که در این صنایع وابسته مونتاژ می‌شود)، ماشین‌آلات و لوازم یدکی به انحصارات امپریالیستی وابسته‌اند. در واقع این صنایع جزئی ارگانیک از انحصارات امپریالیستی هستند و از طریق حفظ پیوندهایی که برای بر پا نگهداشتن این صنایع با امپریالیسم جهانی ضروری است این انحصارات کنترل خود را بر این صنایع اعمال می‌کنند و از همین طریق بخش عظیمی از ارزش اضافی ایجاد شده در اقتصاد وابسته ایران را به یغما می‌برند.

این صنایع عموماً قراردادهایی برای تامین تکنولوژی مواد اولیه و قطعات منفصله با انحصار مادر دارند. همانطور که در شماره پیشین گفتیم، بخش عظیم واردات ایران محصولاتی است که برای به راه انداختن این صنایع به کار برده می‌شود. نقل و انتقال مواد و محصولات مورد نیاز صنایع وابسته از طریق شبکه

امپریالیستی تامین شود و اینها درست همان شرکاء و یاران همین سرمایه‌داران وابسته هستند و نیز از آنجا که بیشتر این مواد در بازارهای انحصاری عرضه می‌شوند و هرگونه قیمت‌گذاری بر آنها ممکن است سرمایه‌داران وابسته با پرداخت هزینه‌هایی گزاف برای این مواد اولیه و کالاهای واسطه، بخش عظیمی از ارزش را که برای خرید این کالاها پرداخت می‌کردند، عملاً به حساب‌های خود در خارج واریز می‌کردند.

گذشته از این، سرمایه‌داران وابسته تمامی کوشش خود را به کار بردند تا هرچه می‌توانند سرمایه خود را به بخش تجارت انتقال دهند تا بدینوسیله ناگزیر به پاسخگویی به خواستههای برحق کارگران نباشند. این کار از آن روی مطلوب سرمایه‌داران وابسته بود که از یکسوی برخی از مهم‌ترین سرمایه‌داران تجاری وابسته به ویژه وابستگان به دربار که انحصارات بزرگ تجاری را در اختیار داشتند، گریخته بودند و غنیمت‌های پرازشی را بر جای گذارده بودند، و از سوی دیگر با اختلالی که همین سرمایه‌داران وابسته در تولید محصولات صنعتی ایجاد کرده بودند، قیمت‌ها در بازار ایران پیوسته با سرعتی حیرت‌آور رو به افزایش بود.

این حرکت سرمایه وابسته به‌سوی سرمایه‌تجاری خود باعث اختلالی بیشتر در میزان تولید صنایع وابسته‌شده و کمیابی و گرانی کالاها همراه با بیکاری به سرعت بیشتری رو به افزایش نهاد.

انبوه بدهی‌های صنایع وابسته، عدم تمایل سرمایه‌داران وابسته به به راه انداختن کارخانه‌ها و همچنین فشار روز افزون توده‌ها برای ملی‌شدن صنایع وابسته، دولت بازرگان را ناگزیر ساخت که علیرغم میل خود صنایع را "ملی" اعلام کند.

صنایعی که بنا به قانون "حفاظت و توسعه صنایع ایران" ملی اعلام شد، اساساً در دو گروه قرار می‌گرفتند. بند الف قانون، گذشته از نفت، گاز، برق، دخانیات و ... را که قبلاً ملی شده بود، صنایع فولاد، مس و آلومینیم، کشتی‌سازی (!)، هواپیما - سازی (!) و اتومبیل را در بر می‌گیرد. این صنایع که از سهامداران داخلی آنها سلب مالکیت شد، اساساً صنایع وابسته‌ای هستند که با انحصارات امپریالیستی جهان پیوندهایی عمیق دارند. در این زمینه انحصارات امپریالیستی بنا بر سیاست عمومی خود در رابطه با جنبش انقلابی ایران فشارهایی را بر اقتصاد ایران وارد آورده‌اند. از محدودیت فروش سنگ آلومینیم به ایران گرفته تا اعمال فشار هیلمن انگلستان (شرکت تابع کرایسلر آمریکا) برای تغییر مدل دادن در اتومبیل پیکان (در ضمن بد نیست بدانیم که خیامی نماینده انحصاری فروش لوازم یدکی پیکان در خاور میانه است و همچنین برادران وهابزاده که در گذشته نماینده ب.ام.و. و تراکتور کاترپیلار در ایران بودند، همین نقش را در مورد لوازم یدکی ب.ام.و. و کاتر-پیلار دارند.)

بیشترین توجه و بهترین نکته سلب مالکیت از ۵۲ سرمایه‌دار وابسته‌ای بود که شامل بند ب قانون فوق‌شده‌اند. بنابراین قانون، سهام کسانی که به علت داشتن رابطه نامشروع با شاه و دربار شاه ثروت "نامشروع" به دست آورده بودند، به تملک دولت در می‌آید.

در اینجا توجه به چند نکته ضروری است

۱- در این قانون ملاک وابستگی به دربار مورد توجه بوده است. بسیاری از سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم که بنا به تشخیص کارگزاران دولت به دربار شاه وابسته نبوده‌اند، شامل این بند نشدند و آزادانه و با داشتن حکم برائت به کار "مشروع" و "مشروط" خود ادامه دادند.

۲- بنا بر این قانون تنها سهام اشخاص وابسته به رژیم گذشته مصادره می‌شود. بنابراین دولت با مصادره سهام این اشخاص با سهامداران دیگر که به علت "عدم وابستگی" به دربار شاه منزه و مبری تشخیص داده شده‌اند، در مالکیت شریک می‌شود ولی شراکت دولت (همچنان که در این باره خواهیم گفت) تغییر

اقتصاد سرمایه‌داری وابسته ایران از طریق پیوندهایی گسترده و عمیق تحت تابعیت و سلطه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است.

یکی از مهمترین ارکان این وابستگی تولید صادرات نفت خام ایران است که در خدمت انحصارات نفتی و اقتصاد کشورهای امپریالیستی جهان بوده است. در این باره در شماره‌های گذشته اشاره کردیم و پس از این نیز در این باره خواهیم گفت.

رکن مهم دیگر وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم جهانی، صنایع وابسته ایران است که با توجه به نیازها و الزامات سرمایه‌های امپریالیستی به منظور به حداکثر رسانیدن نرخ سود خود در شبکه جهانی فعالیت‌های امپریالیستی برپا شده است. سرمایه‌های امپریالیستی با تحت کنترل درآوردن جریان تولید در کشورهای زیر سلطه بیش از پیش دسترنج کارگران و زحمتکشان این کشورها را به شبکه جهانی انحصارات امپریالیستی منتقل می‌کنند.

سرمایه مالی امپریالیستی که شبکه بانکی، تجاری و نیز تولید صنعت وابسته اقتصاد ایران را تحت سلطه خود درآورده است، آن را از طریق پیوندهای پولی، تجاری و تکنولوژیکی تحت فرماندهی سرمایه‌های امپریالیستی قرار داده تا بدین طریق انحصارات امپریالیستی بتوانند سود هرچه بیشتری کسب کنند.

سرمایه‌داران وابسته یار و شریک امپریالیسم در استثمار کارگران و تصاحب دسترنج زحمتکشان میهن ما هستند و از این راه سودهای کلان می‌برده و هنوز نیز می‌برند. خیامی‌ها، لاجوردی‌ها، خسروشاهی‌ها، حاجی برخوردارها، ثابت‌ها نمونه‌های بارزی از سرمایه‌داران وابسته هستند اما بسیاری سرمایه‌داران وابسته‌ای که چهره‌های معروف و شناخته‌شده برای عموم توده‌های محروم زحمتکش میهن ما نیستند، اینها هنوز هم با همدستی امپریالیسم در اقتصاد سرمایه‌داری وابسته ایران به غارت کارگران و زحمتکشان مشغولند.

در اینجا به نشان دادن زمینه عمل امپریالیسم جهانی و سرمایه‌داران وابسته در اقتصاد وابسته می‌پردازیم تا ببینیم اینها علاوه بر خرابکاری‌هایی که در جهت جلوگیری از رشد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران انجام می‌دهند (که در شماره پیشین به آن اشاره شد) چه نقش مستقیمی در افزایش گرانی بر عهده دارند و چه سودهای کلانی از این راه می‌برند؟

پس از قیام پرشکوه بهمن ۵۷ برخی از کثیف‌ترین و غارتگرترین سرمایه‌داران وابسته ایران چون خیامی‌ها، رضائی‌ها، آیت‌ها و ... از ایران گریختند. آنان که از ماههای پیش از قیام خطر را احساس کرده بودند چندین برابر ارزش کارخانه‌های خود از بانکهای دولت وابسته شاه وام گرفته بودند و به خارج انتقال داده بودند. آنچه آنان برجای گذاشتند کارخانه‌های وابسته بدهکار و ورشکسته‌ای بود که دولت بازرگان با تقبل بدهی‌های آنان و کوشش در جهت تحکیم پیوندهای وابستگی آنها در پی به راه انداختن آنها بود.

آنان نیز که نگریخته بودند، نگران از وضعی که در پیش می‌دیدند، دست به همان کاری زدند که گروه نخست زده بود. آنان نیز هرچه توانسته بودند وام گرفته و به خارج منتقل کرده بودند و در روزهای پس از قیام ظاهراً با قیافه‌های مظلوم مدعی آن بودند که برای به راه انداختن کارخانه نیاز به وام‌هایی جدید دارند. بازرگان، نخست‌وزیر منتخب با همراهی شورای انقلاب و مولوی رئیس بانک مرکزی ۸ میلیارد تومان اعتبار برای این صنایع تخصیص داد. از این مبلغ در حدود ۴ میلیارد تومان در اختیار این صنایع گذاشته شد تا ظاهراً حقوق کارگران را بپردازند و مواد اولیه و کالاهای واسطه مورد نیاز خود را بخرند. بخش عظیمی از این وام‌ها از طریق حقه‌های بازرگانی و ارزی به خارج منتقل شد. قضیه از این قرار بود که از آنجا که مواد اولیه و کالاهای واسطه صنایع وابسته عمدتاً باید از انحصارات

سرمایه‌داران وابسته داخلی که بسیاری از آنان بی‌هیچ محدودیتی به‌کار خود ادامه می‌دهند برای گریز از اجرای تصمیمات شوراهای کارگری که در جهت قطع وابستگی می‌کوشند برای به دست آوردن سودهای تجاری کلان در این بازار آشفته هرچه بیشتر به تجارت و به‌ویژه تجارت خارجی روی آورده‌اند.

پیچیده و گسترده انحصارات امپریالیستی است که کشورهای زیر سلطه را در بر گرفته است.

صنایع وابسته‌ای که فعالیت آنها تحت مالکیت دولت یا سرمایه‌داران وابسته‌ای که "مشروع" تشخیص داده شده‌اند، همچنان به فعالیت خود مشغولند. امپریالیسم جهانی به ویژه امپریالیسم آمریکا با بهره‌گیری از مکانیزم وابسته این صنایع و انتقال بحران خود به اقتصاد ایران، صنایع وابسته را وامی‌دارند که قیمت محصولات خود را بالا برند و سرمایه‌داران وابسته "مشروع" نیز با استفاده از فشار اقتصادی امپریالیسم و قیمت‌گذاری انحصاری محصولات خود، قیمت‌ها را بیشتر بالا برده و سودهای کلان می‌برند و با امپریالیست‌ها تقسیم می‌کنند.

صنایع وابسته‌ای که حتی تمامی سهام آنها به تملک دولت درآمده‌است، پیوندهای خود را با انحصارات امپریالیستی حفظ کرده است. قراردادهای تکنولوژی هنوز برسر جای خود باقی است و از این راه هنوز هم سودهای هنگفتی نصیب انحصارات امپریالیستی جهان می‌شود. وابستگی به مواد اولیه، قطعات منفصله، لوازم و ماشین‌آلاتی که توسط انحصارات امپریالیستی تامین می‌شود و با قیمت‌های انحصاری در اختیار صنعت وابسته گذاشته می‌شود، هنوز بزرگوار است. امپریالیسم جهانی، هنوز هم علیرغم تحریم رسمی، این محصولات را از طریق شبکه جهانی خود به صنایع وابسته می‌رساند اما با قیمتی بیشتر و با نظمی کمتر که

امپریالیسم در مناسبات سرمایه‌داری نهفته است و تنها با نابودی نظام سرمایه‌داری است که این دستجات جنایتکار و ضد خلقی هم برای همیشه نابود خواهند شد باید با تبلیغ و ترویج وسیع در میان زحمتکشان غرب کشور ماهیت این باندها را به خوبی برایشان افشا کرد. باید اهداف و مقاصد آنها را مدام مکرر برای زحمتکشان تشریح نمود، باید با ارائه راه‌حل صحیح مشکلات مردم، آنها را به آینده امیدوار کرد، باید به آنها گفت و بارها و بارها تکرار کرد که راه نجات نه در بازگشت به رژیم گذشته و نظم سابق که در ادامه مبارزه تا محو کامل تمامی آثار و نشانه‌های آن نظم است - سازمان ما دقیقاً در تعقیب سیاست فوق از همه رزمندگان فدایی، همه انقلابیون کمونیست و دیگر نیروهای مترقی و انقلابی می‌خواهد که حتی یک لحظه در کار آگاهی بخشی و بسیج توده‌ها به منظور مقابله با اعمال جنایتکارانه باندهای وابسته به امپریالیسم دریغ و درنگ نورزند. تامل جایز نیست. باید بدون لحظه‌ای تردید تمام توان خود را برای سازماندهی سرکوب نظامی باندهای فوق با تکیه بر انرژی و خلاقیت انقلابی توده‌ها به کار گرفت و در بقیه در صفحه ۱۵

باندهای جنایتکار بختیار - پالیزبان را با بسیج زحمتکشان غرب

بقیه از صفحه ۱

سرمایه‌داران لیبرال درون و بیرون حاکمیت به مثابه حاملین سیاست امپریالیسم در ایران بارها به کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان ایران هشدار داده‌ایم و شیوه‌ها و سیاست‌های آنان را برای بازگرداندن اوضاع سابق افشا نموده‌ایم. در رابطه با آن بخش از نمایندگان امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار نیز که از طریق عملیات نظامی آشکار و قتل و غارت و تخریب اهداف طبقاتی‌شان را پیش می‌برند - یعنی باندهای بختیار، پالیزبان و اویسی - موضع خود را با صراحت تمام بدون هیچگونه پرده پوشی همواره باید توجه داشت که تا وقتی مناسبات ضد انسانی سرمایه‌داری بر جامعه ما حاکم است، نه تنها ریشه این نیروهای وابسته به امپریالیسم نخواهد خشکید، بلکه آنها بر زمینه این مناسبات رشد خواهند کرد و همواره دستاوردهای مبارزات خلق را تهدید خواهند کرد. مردم باید بدانند که ریشه تمام این نیروهای وابسته به

سرعت آن حرکت نمود. در این میان هیئت حاکمه طی ۱۶ ماه پس از قیام عجز کامل خود را در حل این مشکلات و فقدان حداقل توان و برنامه در جهت برخورد با ریشه تمام این نابسامانی‌ها یعنی وجود طبقه سرمایه‌دار و زمینداران بزرگ را به وضوح نشان داده است و به این ترتیب بیشترین زمینه را برای سوءاستفاده نیروهای وابسته به امپریالیسم و بطور کلی دار و دسته بختیار - پالیزبان و اویسی بطور اخص فراهم آورده است. جمهوری اسلامی با محدود کردن حقوق دمکراتیک اقشار و طبقات مختلف، با ایجاد جو شانتاز سیاسی علیه گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی با دامن زدن به توهم "خطر کمونیسم و کمونیست‌ها" در سطح توده‌های ناآگاه و ایجاد مرزبندی بین زحمتکشان با اختلافات مذهبی و عقیدتی عملاً صفوف آنها را دچار تفرقه و شکاف می‌کند. طبیعی است که بختیار، پالیزبان، سالارجاف، فرماندهان مزدور ارتش و ساواک و همه عوامل و ایادی خود فروخته آنان از این وضعیت نهایت استفاده را به عمل آورند و تلاش نمایند تا بر امواج نارضایی‌های توده‌ها که خواهان دگرگونی در مناسبات سرمایه‌داری هستند، سوار شوند و آن را یا اتکاء بر نارضایی‌های فوق از مسیر اصولی منحرف نمایند و در خدمت اهداف ضد خلقی خود برای بازگرداندن نظم و اوضاع سابق مورد استفاده قرار دهند. سازمان ما در تعقیب سیاست کشف و نابودی این باندهای وابسته به امپریالیسم که اکنون به‌ویژه در غرب میهنمان فعالیت وسیعی را آغاز کرده‌اند، از همه رزمندگان فدائی و همه انقلابیون خلق می‌خواهد که با همکاری و همگامی با دیگر نیروهای ضدامپریالیست تمام توان خود را در راه سرکوب این دسته‌های جنایتکار به کار گیرند. ما در برابر خطر

جلاد به کمک ژاندارمری ارتش، پلیس و ساواک ضد خلقی‌اش بر میهن ما حاکم گردانیده بود. آرامشی که در آن طبقه سرمایه‌دار و زمینداران بزرگ و مقامات بلند پایه دولتی آزادانه و بدون کوچکترین محدودیت و مزاحمت خون میلیون‌ها کارگر، دهقان، کسبه، پیشه‌ور، کارمند و فرهنگی را بمکد، امنیتی که به اقلیت ناچیز ولی دولت‌مند جامعه امکان بدهد تمام کارخانجات زمین‌ها، مراعات و همه امکانات انسانی را در جهت افزایش ثروت خویش به خدمت گیرد و اکثریت میلیونی مردم میهن ما را در شرایطی نگهدارد که بسیاری از آنها به نان شب محتاج باشند. زحمتکشان ایران سالیان سال طعم این آرامش و امنیت را چشیده‌اند و آن را به خوبی می‌شناسند. این سرسپردگان امپریالیسم مدام در رادیوها و توسط عوامل خود حل مشکل گرانی، بیکاری، کمبود کالا و مسکن را وعده می‌کنند. آنها در واقع همان "تمدن بزرگ" آریامهر جلاد را، منتهی این بار با سوء استفاده از نارضایتی رو به گسترش توده‌ها از اوضاع موجود، در بوق و کرنا می‌دمند. کارگران و دهقانان ایران خوب به خاطر دارند که سرکرده همه این وطن فروشان، شاه خائن چگونه زندگی‌ای برای

تنها تجلی دیگری از عملکرد نیروهای وابسته به امپریالیسم است که اکنون به صورت توطئه‌های کودتا در ارتش و تجاوزات نظامی و قتل و غارت زحمتکشان غرب میهن ما خود را به نمایش می‌گذارد. در مقطع زمانی تسخیر لانه جاسوسی اقدامات ضدانقلابی آن بخش از نمایندگان طبقه سرمایه‌دار، یعنی احزاب و جریان‌های لیبرال نظیر حزب جمهوری خلق مسلمان، جبهه ملی و نهضت آزادی که در داخل کشور به مثابه حاملین سیاست‌های امپریالیسم عمل می‌کنند، افشا شد. روابط و شبکه تشکیلاتی آنان در ارتباط با امپریالیسم، پیشروی گام به گامشان به منظور تحکیم سلطه امپریالیسم و خزش آنها به سمت کسب قدرت و نابودی تمامی دستاوردهای مبارزات انقلابی مردم میهنمان از پرده بیرون افتاد و اینک به شکلی دیگر نیز یعنی در قالب باندهای مسلح بختیار و پالیزبان هم شاهد کوشش مذبحخانه ایادی امپریالیسم در جهت سرکوب حرکت انقلابی خلق‌های میهنمان هستیم.

باندهای مزدور وابسته به بختیار، پالیزبان، اویسی سالارجاف و ... از یک طرف سعی دارند با پخش پول و سلاح به میزان وسیع در میان روستائیان، با تهدید زحمتکشان منطقه - گوزان، سنجابی، بیونیز، دشت کرد، ریجاب، قلخانی - و غارت و چپاول اموال و احشام آنها، افراد هرچه بیشتری را جذب خود کنند و با دامن زدن به فضای رعب و وحشت، شرایط را برای مایوس کردن زحمتکشان از ادامه مبارزه در جهت مصادره کامل اموال سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و بازگشت اوضاع سابق فراهم آورند، و از طرف دیگر با استفاده از تبلیغات زادیوهای که مستقیماً توسط امپریالیسم آمریکا و رژیم ضد مردمی عراق در اختیارشان گذاشته شده است، خود را هوادار آزادی و ترقی و خواهان حل مشکلات زحمتکشان نشان می‌دهند. آنها فقدان آرامش و امنیت در منطقه را که خود مهمترین علت آن هستند، دستاویزی قرار می‌دهند برای تبلیغ همان امنیتی که شاه

ما باید بدون لحظه‌ای تردید تمام توان خود را برای سازماندهی سرکوب نظامی باندهای جنایتکار با تکیه بر انرژی و خلاقیت انقلابی توده‌ها به‌کارگیریم.

زحمتکشان ایران فراهم آورده بود. کارگران و دهقانان و سایر اقشار زحمتکش جامعه هم اکنون فشار گرانی و بیکاری و ... را با تمام سنگینی‌اش بر دوش خود احساس می‌کنند باید با این واقعیت روبرو شد و در جهت حل هر چه

اطلاعیه کارگران پیشرو غرب تهران:

اخیراً اعلامیه‌ها و نوشته‌هایی تحت عنوان "کمیته کارگری غرب تهران" و یا کارگران پیشرو غرب تهران منتشر شده که نشان‌دهنده تائید آن از مواضع اقلیت منشعب از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌باشد. از آنجا که "کارگران پیشرو غرب تهران" عنوانی جهت تسهیل امور تبلیغی در بین کارگران می‌باشد و ما هیچگونه تفکیکی بین تشکیلات کارگری و تشکیلات سیاسی طبقه کارگر قائل نبوده و نیستیم بنابراین به عنوان ارگانی با استقلال نسبی، همچون شاخه‌های سازمان، در مورد انشعابگران انحلال طلب موضع‌گیری نکردیم زیرا خود را جزئی از تشکیلات مرکز سازمان می‌دانیم. با اینحال مشاهده گردید که آثار شیستهای ما که به هیچ اصل لنینی پای‌بند نبوده و سعی دارند با ایجاد اغتشاش در اذهان برای خود کسب حیثیت کنند، نام کارگران پیشرو غرب تهران را نیز مصادره انقلابی! نموده و با این عمل اوج هرج و مرج طلبی و آشفته فکری خود را به معرض نمایش گذاشتند. ما اعلام می‌داریم کارگران پیشرو غرب تهران تاکنون هیچگونه اطلاعی از این تشکیلات نوظهور نداشته و طبعاً هیچگونه مسئولیتی نیز در قبال موضع‌گیری‌های آنان نخواهند داشت. موضع ما در راستای مواضع اصولی اکثریت قرار داشته و دارد.

کارگران پیشرو غرب تهران

بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

اخبار کارگری

در صفحه ۱۶ ● حمایت از شورا در برابر شعار "شورای شورایی"	● کارفرما برای تحکیم پایه خود در کارخانه علیه شورا توطئه چینی می کند در صفحه ۱۶	● کار و تلاش در فضای آلوده به گاز و سموم گوشه‌ای از چهره کرب و ضد انسانی سرمایه داری در صفحه ۷	● شورای کارخانه کفش وین، تنها به اتکای حمایت یکپارچه کارگران قادر است اقدامات انقلابی اش را تداوم بخشد در صفحه ۱۶
--	--	---	--

در کارخانه‌های ارومیه چه می گذرد

کارخانه قند ارومیه:

کارخانه قند همچنان تعطیل است و شورای کارخانه نیز (هرچند بصورتی غیر فعال) کماکان در راس حرکات کارگران قرار دارد. بعد از تعیین رئیس و هیئت مدیره کارخانه قرار بود در اواخر تیرماه کارخانه آغاز به کار کند ولی ظاهراً استانداری و مسئولین دولتی چندان تمایلی در به راه انداختن کارخانه ندارند و در مقابل تلاش کارگران و شورا برای به کار انداختن کارخانه برخورد مسئولانهای نداشته و با مسامحه و تعلل در برابر آن واکنش منفی نشان می دهند.

کارخانه کانادا:

شورای کارخانه آنچنانکه باید مورد اعتماد و حمایت کارگران نیست زیرا بیش از آنکه به کارگران متکی باشد، به بنیاد مستضعفین متکی است. ولی در برابر کارفرما و به ویژه در مورد مسئله ملی کردن کارخانه موضعی مثبت دارد. این شورا به تبعیت از سیاستهای بنیاد مستضعفین خواهان ملی شدن کارخان می باشد. از این رو در مقابل صاحب کارخانه (مجیدی) سخت ایستاده است. از طرفی مجیدی هم برای حفظ سرمایه اش سعی می کند نظر مثبت کارگران بی تفاوت و ناآگاه را به خود جلب نموده و به اتکای حمایت آنان جای پای محکمی در کارخانه به دست آورد. با تفرقه افکنی میان کارگران مبارز و ناآگاه و کارگران بی تفاوت و یا ناآگاه مانع اتحاد و تشکل کارگران شده و مبارزه انقلابی کارگران و همچنین سیاست مترقی ملی کردن کارخانه‌ها را به شکست کشاند زمینه مساعدی که مجیدی در اینجا دارد، این است که شورای کارخانه تقریباً جدا از بوده کارگران حرکت می کند و بی اعتمادی به شورا در

کارخانه کاملاً به چشم می خورد عدم پرداخت سود ویژه کارگران و کم توجهی به خواسته های صنفی به نارضایتی بیشتر دامن میزند حال آنکه شورا تنها با تطبیق پیگیرانه وظایفش بر منافع توده کارگران و بر مبنای اتکای به توده کارگران و جلب حمایت فعالان کارگران (و نه هیچ نیروی دیگری) قادر خواهد بود مبارزات صنفی - سیاسی اش را (از مصادره و ملی کردن کارخانه گرفته تا سود ویژه و...) به پیش برد و در جهت ارتقاء گاهی و تشکل کارگران گام بردارد.

کارخانه آجر ماشینی:

مدتهاست که از مصادره و ملی شدن این کارخانه و اخراج معماری (صاحب کارخانه) می گذرد ولی هنوز کارگران موفق به تشکیل شورای کارخانه که پاسدار دستاوردهای انقلابی شان باشد، نشده اند. شورای فعلی کارخانه متشکل از کارگرانی است ناآگاه که اکثراً از معماری کماکان حمایت می کنند. این شورا سعی می کند دوباره معماری را به کارخانه بازگرداند ولی کارگران مبارز و ناآگاه و همچنین بنیاد مستضعفین با این کار به شدت مخالفت می کنند. معماری از یک طرف به عجز و قیام با توسل به اقداماتی عوامفریبانه توانسته است نظر مثبت عده ای از کارگران را نسبت به خود جلب کند و از طرف دیگر طی این مدت با پرداخت مبالغی به عنوان خمس و ذکات توانست برخی از روحانیون (از جمله ملاحسنی) را به حمایت از خود وادارد. پس از مصادره کارخانه اش موفق شد از طریق ملاحسنی نامه ای از بنی صدر دریافت کند با این مضمون که مصادره این کارخانه غیر قانونی بوده است. اکنون در کارخانه

کارگران تقریباً به دو گروه طرفدار معماری و مخالفین او تقسیم شده اند و در برابر یکدیگر موضع گیری می کنند و تعداد کارگرانی که از معماری حمایت می کنند، بیشتر است. در این میان بنیاد مستضعفین و کارگران نیمه آگاه و آگاه بر تشبیت مسئله مصادره و ملی شدن کارخانه تاکید دارند و به نحوی پیگیرانه مانع از بازگشت معماری به کارخانه هستند.

در تاریخ ۷ خرداد در منزل استاندار جلسه ای با حضور مسئولان استان تشکیل می شود. در این جلسه بین مسئول بنیاد استان از یکسو و استاندار و ملاحسنی و حاکم شرع (علیزاده) از سوی دیگر برخوردی پیش می آید که منجر به ضرب و شتم میرائی (مسئول بنیاد) می گردد. بعد از این درگیری افراد سپاه پاسداران به کارخانه رفته و کارگران طرفدار معماری را از کارخانه اخراج می کنند و متعاقب آن این جنبش از کارگران که مورد حمایت معماری، ملاحسنی و استانداری می باشند، به عنوان اعتراض به استانداری رفته و در آنجا تحصن می کنند. پس از دوزخ مدارکه نیاید و استانداری به این نتیجه می رسد که کارگران به کارخانه بازگردند و پرونده معماری و کارخانه برای بار دوم به دادگاه ارجاع شود و تصمیم قطعی درباره ملی شدن کارخانه اتخاذ گردد. کارگران آجر ماشینی اکنون باید حول شعار تشبیت مصادره و ملی کردن کارخانه و تحقق دیگر خواسته های صنفی - سیاسی شان صفوف خود را فشرده تر سازند و مجال نفاق افکنی بیشتر را به سرمایه داران و متحدان و دوستانش ندهند. موفقیت در اخراج قطعی سرمایه دار، گامی موثر جهت تضعیف پایگاه و نفوذ او در کارخانه بوده و انحلال شورای غیر مسئول کنونی تشکیل شورای واقعی را دنبال دارد.

شورای کارخانه دیسمان (اصفهان) برای جلوگیری از تعطیل کارخانه اداره آنرا بدست گرفت

کارگران دیسمان پس از جلسه مجمع عمومی با درک لزوم تقویت و تحکیم شورای شان، اقدام به تشکیل صندوق حمایت از شورا کردند و با کمال رغبت و اشتیاق، آخرین ذخیره های مالی خود را به صندوق شورا تحویل دادند و علیرغم آنکه کارفرما و عواملش هیچ یک از تاریخ ۲۹ خرداد در کارخانه حاضر نشدند. شورا به اتکای حمایت یکپارچه کارگران با تهیه و وارد کردن مواد اولیه مجدداً کارخانه نمود.

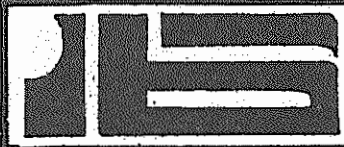
شورا با به دست گرفتن اداره تولید و بهره برداری نه تنها در طی این مدت توانسته است بهره وری روزانه از کارخانه را افزایش دهد بلکه از نظر مرغوبیت محصول نیز توانسته است استانداردهای متعارف خود کارخانه نیز پیشی بگیرد. و این در حالی است که هیچ یک از مسئولین و مقامات دولتی علیرغم درخواست های مکرر کارگران و شورا، هیچ اقدامی در جهت حمایت از شورا و راه اندازی کارخانه نکرده اند، کارگران مبارز دیسمان با خنثی کردن توطئه های کارفرما در خواباندن چرخ تولید و با اقدام قاطع خود در راه اندازی کارخانه و افزایش بهره وری تولید نشان دادند که اداره واحدهای تولیدی با مسئولیت شوراها کارگری نه تنها موجب اختلال و رکود در امر تولید نمی شود، بلکه شرط ضروری مبارزه با فشار و محاصره اقتصادی امپریالیسم امریکایی بوده و گام موثری است در جهت مبارزه بر علیه وابستگی اقتصادی به امپریالیسم. شورای کارخانه دیسمان اکنون باید با طرح شعار "ملی کردن کارخانه" و مبارزه برای تحقق آن، اتحاد و تشکل صفوف کارگران را تحکیم نموده و سهم خویش را در گسترش مبارزات ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان ایران ادا نماید.

با تشکیل شورای واقعی در شرکت دیسمان (تولید خانه های پیش ساخته)، کارفرمای این شرکت به اقدامات ضد کارگری گوناگونی متوسل شد تا صفوف متحد و یکپارچه کارگران را از هم بپاشد. برای این منظور ابتدا مساعده کارگران را قطع کرد و سپس پرداخت بدهی های شرکت را متوقف نمود تا شورا را با مشکلات تولیدی و اداری مواجه نموده و فلج کند. و به دنبال آن با قطع ورود میله گرد آهنی و شن و ماسه (که از مواد اولیه ضروری کارخانه می باشند) عملاً کارخانه را به تعطیلی کشاند. کارگران دیسمان برای در هم شکستن توطئه های ضد انقلابی و ضد شورائی کارفرما در تاریخ ۲۹ خرداد به دعوت شورا جهت تشکیل مجمع عمومی پاسخ داده و ضمن ابراز تنفر شدید از اقدامات توطئه گرانه کارفرما، به افشای اسناد و مدارک مربوط به خیانت های کارفرما و رئیس کارخانه (خرائی) پرداختند.

کارگران پس از صحبت های نمایندگانشان، ضمن اعلام حمایت قاطعانه خود از شورا در قطعنامه مجمع عمومی شان، بر موارد زیر تاکید کردند:

- ۱- کارفرما موظف است مواد اولیه مورد نیاز کارخانه را در اسرع وقت تامین نموده و نسبت به راه اندازی آن اقدام نماید. بدیهی است که در غیر این صورت شورا خود را موظف به انجام اقدامات لازم می داند.

- ۲- ما خواستار اجرای مواد اساسنامه شورای اسلامی منتخب خود مخصوصاً در مورد نظارت و کنترل بر امور کارخانه از قبیل اخراج، استخدام، قراردادهای و مبلغ صورت وضعیت هستیم.
- ۳- ما خواستار اخراج کلیه نمایندگان مزدور و کارفرما از کارخانه و کارگاه هستیم.



در روزهای آخر هفته بخصوص موقعی که چند روز تعطیلی پشت سر هم پیش می آید گازهای تولیدی پالایشگاه (بوتان و پروپان) در اثر کمبود جا و پر بودن مخازن مخصوص می سوزد و به هدر می رود . سوختن بی مورد این گازها در شرایطی انجام می گیرد که کمبود و گرانی گاز مایع مصرفی منازل بطور محسوسی در جامعه وجود دارد . این ثروت ملی که به کارگران و زحمتکشان میهنمان تعلق دارد و باید در خدمت رفاه آنان به کار گرفته شود در اثر نبودن برنامه ریزی صحیح و بی توجهی مسئولین به بهره برداری درست از تمام محصولات پالایشگاه بی جهت دود می شود . گاز مایع بعد از تولید در

گاز پالایشگاه تبریز

به هدر می رود

شرکت های پخش باید ملی شوند

پالایشگاه باید به قسمت پخش و از آنجا به شرکت های پخش گاز و بالاخره به منازل انتقال یابد ، عملیات مذکور باید بطور مرتب پشت سرهم انجام گیرد ، بطوری که مقدار گاز تولید شده باید بلافاصله انتقال یابد و برای تولید بعدی از نظر ظرفیت مخازن اشکالی پیش نیاید . تمام عملیات از تولید تا انتقال آن به منازل زنجیروار به هم مربوطند و اگر اشکالی در یکی از حلقه های آن به وجود آید باعث مختل شدن حرکت کل زنجیر خواهد شد . گاز مایع سالمترین و ارزانهترین سوخت جهت استفاده در منازل می باشد و در دنیا رسم بر این است که هر جا پالایشگاه وجود دارد و گاز مایع تولید می کند به خانه ها

داشته اند . در حال حاضر شرکت نفت هر کیلو گاز مایع را به قیمت سه ریال به شرکت های پخش گاز می فروشد . یعنی هر کیسول گاز که یازده کیلو مایع ظرفیت دارد برای شرکتها ۳۳ ریال به اضافه هزینه اندک پر کردن کیسول تمام می شود و این شرکتها هر کیسول یازده کیلوئی را به قیمت ۱۸۰ ریال به مصرف کننده می فروشند تفاوت قیمت خرید با قیمت فروش اجحاف وحشتناکی را که به مصرف کنندگان می شود نشان می دهد و طبیعی است تا زمانی که دست اینگونه شرکت های سرمایه داری برای چپاول مصرف کنندگان زحمتکش جامعه باز باشد نارسایی در پخش گاز امری دائمی خواهد بود تا از این طریق سرمایه داران باز هم قیمت ها را افزایش دهند و جیب مصرف کننده را خالی نمایند برای جلوگیری از هدر رفتن گاز مایع و برای پایان دادن به نارسایی های پخش گاز مایع و بالاخره پائین آوردن قیمت ها و جلوگیری از اجحاف به مصرف کنندگان تنها یک راه وجود دارد که آن هم لوله کشی گاز به منازل است . علل اصلی هدر رفتن گاز مایع در پالایشگاه تبریز به شرح زیر می باشد :

- ۱- بر طبق روابط حاکم بر شرکت نفت ، تمرکز برنامه ریزی در تهران و وجود بوروکراسی در سطح شرکت نفت ، پالایشگاه ها باید موجودی محصولات خودشان را به تهران گزارش کنند تا دستور نوع و مقدار بارگیری از تهران صادر شود ، این امر منجر به فوت وقت برای انتقال محصولات نفتی مخصوصا در شرایط اضطراری و تعطیلات و روزهای آخر هفته می شود .
- ۲- عدم برنامه ریزی صحیح از طرف مسئولین برنامه ریزی در پالایشگاه لازم است انتقال محصولات نفتی و در این مورد مشخص گاز مایع در صورت لزوم در روزهای تعطیلی نیز ادامه داشته باشد ولی به علت نبودن برنامه ریزی صحیح در روزهای تعطیل هنگامی که مخازن پر هستند روزانه ۴۴۰۰۰ تومان گاز قابل مصرف در اثر کمبود جا می سوزد و از بین می رود .
- ۳- قسمت بارگیری گاز مایع به صورت یک شیفت هشت ساعته کار اداره می شود . به این ترتیب

کار و تلاش در فضای آلوده به گاز و سموم

گوشه ای از چهره کربه و ضد انسانی سرمایه داری

یکی از موارد مشخصی که کارگران و به ویژه کارگران صنایع نفت ، پتروشیمی ، گاز و معادن میهن ما را در خطر جدی قرار داده و مرگ تدریجی را برای آنها به وجود می آورد ، فضای محیط کار و گازهای سمی و مسموم کننده و اعتیاد آور آن است . در صنایع نفت کلیه کارگران و بخصوص کارگران قسمت های تولید اسید و تصفیه نفت با گاز SO_2 (گازی بسیار بد بو و تهوع آور) در شرایط بسیار بدتری نسبت به سایر قسمتها کار می کنند . مشخصه این قسمت ها ، هوای بسیار آلوده به گازهای اسیدی و تماس دائمی بدن کارگران با این گازها می باشد تا اثرات این گازها بر روی پوست و دستگاه تنفسی آنچنان شدید است که در طی مدت کوتاهی اثرات زیان آوری بر روی کارگران بر جای می گذارد . کارگران این واحدها معمولا دچار یک نوع اعتیاد به گازها و سموم می شوند . اندام اغلب این کارگران متورم می شود و به چاقی کاذب مبتلا می گردند ، امراض قلبی ، ریوی ، چشمی ، ورم جلدی و سردردهای مزمن از جمله ضایعاتی است که این قبیل کارگران همواره در خطر ابتلا به آن قرار دارند . قوانین ضد کارگری و شرایط تحمیلی این شرکتها همواره

این قبیل کارگران را از داشتن لوازم ایمنی و ضروری مانند ماسک ضد گاز و برخوردار از امتیازات رفاهی ویژه مانند کاهش ساعات کار ، تقلیل سنوات خدمت ، افزایش مرخصی سالیانه و استفاده از نقاط خوش آب و هوا در مرخصی سالیانه با مخارج شرکت ، معاینه پزشکی و تغییر نوبتی محیط کار با ضوابط پزشکی ، محروم کرده است . به عنوان مثال روز دوشنبه ۲۵ فروردین ۵۹ یکی از کارگران پالایشگاه که جوانی خود را در شرایط طاقت فرسای محیط کار پشت سر نهاده بود ، در سمت حوضچه اصلی گوگرد مذاب کارخانه های اسید سازی دچار سکت قلبی شد و علت سکت ، کار در محیط گرم و مملو از گاز گوگرد تشخیص داده شد و بر اثر نبودن وسائل ایمنی لازم و دیر رسیدن به بیمارستان ، قربانی مطامع و سودجویی سرمایه داری حاکم بر جامعه گشت . علاوه بر اثرات زیان بار این گازها بر چشم و دستگاه تنفسی و قلب ، پوست ، منجر به تولید نوعی اسید در معده می گردد که در طی مدت کوتاهی نوعی اعتیاد را برای دستگاه های گوارشی فراهم می سازد که پس از بازنشستگی و یا تغییر محیط کار ، پیامدهای مرگباری را

برای کارگران به وجود آورده است . اغلب دیده شده است که این کارگران به محض بازنشستگی به واسطه دور افتادن از محیط کار و جدا شدن از گازها و سمومی که طی سالها به آن معتاد شده اند ، در بستر بیماری افتاده و به نحو اسفباری جان سپرده اند . کارشناسان پزشکی و اداری رژیم سابق علل این قبیل مرگ و میرها را چنین ارزیابی می کردند که این کارگران و کارمندان چون پس از بازنشستگی حقوقشان کاهش می یابد و مزایای شرکت نفت از قبیل مسکن را از دست می دهند ، دق کرده و جان خود را از دست می دهند ! کارگرانی که در قسمت (پالایشگاه آبادان) کار می کنند ، بیاد می آورند آن کارگرانی را که پس از بازنشستگی از همکارانشان می خواسته اند تا روزانه برای آنها مقداری گاز بیاورند کارگران بازنشسته با استنشاق این گاز که از طریق آلوده ساختن فضای اطاق در بسته صورت می گرفته است ، به زندگی رنج آور خود چند صباحی ادامه می دادند . کارگرانی که در نتیجه "امراض حرفه ای" و "مسمومیت شغلی" دچار نقص عضو و ضایعات شدید جسمی شده اند که در شرکت نفت اصطلاحا به "لد . یو . تی" موسومند . بجای آنکه



انقلاب کوبا:

تجارب و دستاوردها

* رهبران کوبا دریافتند که مصالحه عادلانه با آمریکا غیر ممکن است و علیرغم تمایلی که در ابتدا با شرط شناسایی رسمی انقلاب کوبا از طرف آمریکا به اینکار داشتند، سرانجام به غیر ممکن بودن آشتی امپریالیسم و انقلاب پی بردند.

تکامل انقلاب و تحول دمکراسی انقلابی به سوسیالیسم

هدف " جنبش ۲۶ ژوئیه " که نیروی رهبری کننده انقلاب را تشکیل می داد قطع سلطه امپریالیسم از کوبا کسب استقلال سیاسی و اقتصادی و دادن زمین به دهقانان و تامین پیشرفت اجتماعی کوبا بود. رهبران " جنبش " انقلاب کوبا را انقلابی "منحصر به فرد" و "استثنائی" که در چارچوب هیچکدام از الگوهای شناخته شده تا آن زمان نمی گنجید می دانستند. کاسترو اعلام داشته بود که انقلاب ما نه "کاپیتالیستی" نه "کمونیستی" بلکه " هومانیتیستی " است. اما سیر تحولات انقلابی بعدی در کوبا و در عرصه جهانی رهبران انقلاب را متقاعد ساخت که تنها سوسیالیسم است که می تواند اهداف آنها را به بهترین نحو برآورده ساخته و پیروزی نهائی و پایدار انقلاب را تضمین نماید. عواملی را که زمینه پیروزی انقلاب کوبا و پا گذاشتن آن در راه سوسیالیسم و همچنین تحول دمکراسی انقلابی به سوسیالیسم را فراهم ساختند می توان چنین جمع بندی نمود:

۱- دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم به مقیاس جهانی به مثابه شرط جهانی - تاریخی پیروزی نهائی انقلاب:

پیروزی نهائی انقلاب در کوبا و گام گذاشتن آن در راه سوسیالیسم تنها بر پایه قبول دوران ما ، به مثابه دوران انقلاب های پرولتاریائی قابل درک است ، چرا که اصولا در دوران های قبل از انقلاب اکتبر پیروزی پایدار انقلاب ضد امپریالیستی دمکراتیک و تکامل آن به سوی سوسیالیسم در کشوری مانند کوبا که اساس اقتصاد آن بر کشاورزی قرار داشته و پایه های مادی و فنی سوسیالیسم در آن کشور آماده نبود ، غیر ممکن بود. تنها با پیروزی انقلاب اکتبر و آغاز دورانی جدید در تکامل جامعه بشری بود که امکان گذار به سوسیالیسم برای چنین کشورهایی به وجود آمد.

۲- سیاست امپریالیسم: درک سیاست های امپریالیسم آمریکا از جانب نیروهای انقلابی در کوبا: امپریالیسم امکان به مصالحه کشاندن انقلاب را فرعی می دانست و سیاست کلی براندازی آن را دنبال می کرد. امپریالیست ها در هنگام محاکمه جنایتکاران رژیم باتیستا به دفاع از آنها پرداختند و اعلام کردند: "کاسترو در کوبا حمام خون به راه انداخته است." در ماه مه ۱۹۵۹ زمانی که دولت انقلاب در اجرای قانون اصلاحات ارضی و برای تحقق شعار " زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند " به مصادره زمین های زمینداران بزرگ دست زد. امپریالیست ها به تبلیغات خصمانه خود علیه انقلاب کوبا افزودند و بالاخره آمریکا از همان روزهای اول انقلاب شروع به خرابکاری در داخل کوبا و سازماندهی حملات هوائی و فشار اقتصادی به کوبا پرداخت.

مجموعه سیاست های امپریالیسم رهبران کوبا را متقاعد ساخت که مصالحه عادلانه با آمریکا غیر ممکن است و علیرغم تمایلی که در ابتدا با شرط شناسایی رسمی انقلاب کوبا از طرف آمریکا به اینکار داشتند ، سرانجام به غیر ممکن بودن آشتی امپریالیسم و انقلاب پی بردند.

۳- سیاست اردوگاه سوسیالیستی: کشورهای سوسیالیستی بلافاصله بعد از انقلاب کوبا ،

چهارم مرداد (۲۶ ژوئیه) سالروز حمله عده ای از انقلابیون کوبا به رهبری رفیق فیدل کاسترو به پادگان مونگادا در ایالت سانتیاگو کوبا می باشد. این روز پس از پیروزی انقلاب کوبا در سال ۱۹۵۹ " روز انقلاب " نامگذاری شد و هر ساله مردم کوبا یاد این روز را با جشن و شادمانی گرامی می دارند.

حاصل بیش از نیم قرن سلطه امپریالیست های امریکائی بر کوبا فقر شدید اکثریت مردم کوبا و غارت وحشیانه دارائی ها و دسترنج زحمتکشان کوبا بود. اقتصاد کوبا قبل از انقلاب اساسا متکی به کشاورزی لاتیفوندیائی بود و نیشکر تنها محصول آن بود. اکثر لاتیفوندیایها (کشزارهای وسیع) به سرمایه داران امریکائی و اقلیتی از زمینداران کوبا تعلق داشت و در آنها غارت و استعمار کارگران و دهقانان خرده پیا جریان داشت. شیوه تولید مسلط در کوبای قبل از انقلاب شیوه سرمایه داری بود و کارگران (کشاورزی و صنعتی) ۴۲٪ نیروی کار کوبا را تشکیل می دادند.

تضادهای طبقاتی جامعه کوبا به ویژه پس از استقرار دیکتاتوری باتیستا در سال ۱۹۵۲ حدت یافت باتیستا با حمایت اسلحه و کارشناسان امریکائی به سرکوب ابتدائی ترین حقوق مردم کوبا اقدام نمود. تمام سازمان های سیاسی ، کارگری و دانشجویی تحت تعقیب و فشار قرار گرفتند.

در ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳، ۱۷۰ تن از انقلابیون کوبا بر رهبری فیدل کاسترو، با قصد خلع سلاح پادگان و تسلیح توده های مردم و آغاز جنبشی توده ای علیه دیکتاتوری باتیستا به پادگان مونکارا حمله کردند. این حمله شکست خورد ولی به دنبال آن ، مبارزات توده ای و بویژه طبقه کارگر که از سابقه های طولانی و تجربه های غنی برخوردار بود ، روز به روز گسترده تر و عمیق تر شد. اعتصاب های عظیم کارگری و قیام های مسلحانه توده ای در مناطق مختلف کشور جریان داشت تا این که در سال ۱۹۵۶ ، یک گروه انقلابی به رهبری کاسترو پس از تدارک در مکزیک، برای ادامه جنگ مسلحانه در ایالت اورنیتته پیاده شد. این گروه با جذب دهقانان و کارگران کشاورزی به صفوف خود به صورت " ارتش شورشی " درآمد. در سال ۱۹۵۸ یک جبهه عملی و نه رسمی از سه سازمان عمده کوبایی یعنی جریان انقلابی دمکراتیک " جنبش ۲۶ ژوئیه " (که دارای تعدادی انگشت شمار عناصر کمونیست بود) ، " حزب سوسیالیست خلق کوبا " و " هیئت انقلابی ۱۳ مارس " تشکیل شد. رهبری جبهه را " جنبش ۲۶ ژوئیه " به عهده داشت.

سرانجام پس از دو سال مبارزه مسلحانه و مبارزات اعتصابی کارگران و دهقانان و قیام های توده ای دولت باتیستا سقوط کرد و شخص وی از کشور فراری شد. پیروزی انقلاب کوبا در اول ژانویه ۱۹۵۹ موجب ایجاد قدرت دوگانه در کشور شد: قدرت خلق در وجود " ارتش شورشی " تجسم یافت که دور از پایتخت قرار داشت و دولت بورژوائی موقت در پایتخت. پس از ورود انقلابیون به پایتخت به قدرت دوگانه خاتمه داده شد و قدرت در دست نیروهای انقلابی قرار گرفت.

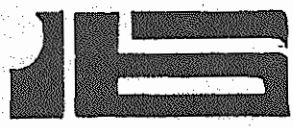
از دولت انقلابی کوبا چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی حمایت نموده و آمادگی خود را برای کمک به آن اعلام داشتند و روابط سیاسی و اقتصادی با آن برقرار کردند. اتحاد شوروی در سال ۵۹ تعهد نمود که ۱۰۰ هزار تن شکر از کوبا بخرد. چین در سال ۶۰ قراردادی برای خرید ۵۰۰ هزار تن شکر در ظرف ۵ سال با کوبا امضاء کرد. لهستان قراردادی با کوبا امضاء کرد که در ازای مواد معدنی و غذائی ماشین آلات سنگین به کوبا صادر نماید، در سال ۱۹۶۰ کوبا و اتحاد شوروی قراردادی امضاء کردند که بر اساس آن شوروی در ازای خرید شکر از کوبا ، نفت ، ماشین آلات صنعتی ، مواد غذائی و مواد اولیه به آن کشور صادر می کرد. به دنبال خرید نفت از شوروی و امتناع شرکت های نفتی امریکائی در کوبا از تصفیه نفت خریداری شده دولت انقلابی به مصادره شرکت های نفتی دست زد. در اواخر سال ۱۹۶۰ دولت امریکا ممنوعین صدور کالا به کوبا را اعلام کرد و دولت انقلاب به تلافی این اقدام ۱۶۶ شرکت امریکائی را یکجا مصادره نمود. با تشدید فشار امریکا بر کوبا کشورهای سوسیالیستی روابط خود را با کوبا گسترش داده و حمایت همه جانبه خود را از دولت انقلابی اعلام داشتند.

۴- نقش رهبری انقلاب و مناسبات نیروهای چپ: نگاهی به سابقه مبارزاتی " جنبش ۲۶ ژوئیه " و رهبران آن و همچنین اعلامیه اول هاوانا که اصول اساسی سیاست دولت کوبا را اعلام می کرد ، درجه پیگیری رهبری انقلاب و عزم آنها را برای رسیدن به اهدافشان نشان می دهد. این اعلامیه " حق دهقانان بر زمین ، حق کارگران بر حاصل کارشان ، حق کودکان برای آموزش ، حق کار ، حق ملی کردن انحصارات امپریالیستی ، مسلح کردن کارگران ، دهقانان و ... را برای دفاع بهتر از حقوق و آینده شان را به دست خودشان " اعلام داشته و تصمیم دولت را برای اجرای آن بیان می کند. نقش فیدل کاسترو به مثابه یک انقلابی پرشور، قاطع و سازش ناپذیر در کل این روند از اهمیت به سزائی برخوردار بود.

تجربه " جنبش ۲۶ ژوئیه " و رهبران دولت انقلابی آنها را به نزدیک تر شدن به مواضع طبقه کارگر تشویق می نمود. از جمله تجربه برملا شدن ماهیت وابسته یکی از رهبران ارتش انقلابی که شخصی ضد کمونیست بود ، به این امر کمک شایانی کرد.

" حزب سوسیالیست خلق کوبا " که با حرکت از دیدگاه رفرمیستی موضعی انحرافی در قبال جنگ مسلحانه کاسترو و یارانش اتخاذ نمود ، پس از پیروزی انقلاب به موضع دفاع از انقلاب و سیاست های دولت انقلابی کشیده شد. " جنبش ۲۶ ژوئیه " در جریان جذب و پذیرش مارکسیسم - لنینیسم در درون ائتلافی از سه نیروی عمده سیاسی کوبا تحت رهبری " جنبش " با روحی انقلابی با آن برخورد کرد و در همین جریان نیز بر اپورتونیسم حزب سوسیالیست غلبه نمود و حزب واحد کمونیست را پایه گذاری کرد.

۵- مبارزه توده ای و تکیه بر توده های مردم زحمتکش کوبا از آغاز انقلاب بطور فعالانه ای به اشکال مختلف از تظاهرات و اعتصابات عظیم گرفته تا قیام مسلحانه در انقلاب شرکت نمودند. رهبران کوبا با تکامل و صف بندی رادیکالتر نیروهای انقلاب به تدریج رادیکالتر شدند و بالاخره موقعی که تنها کارگران و دهقانان پایه انقلاب را تشکیل می دادند



انقلاب کوبا: تجارب و ...

جهانی در همه زمینهها از نظامی تا فرهنگی یاری رسانده و بدین ترتیب دین خود را به انقلاب جهانی ادا می نماید.

مدارس انترناسیونالیستی در کوبا

دولت سوسیالیستی کوبا، برای ارائه کمک به کشورهای نواستقلال در مبارزهشان بر علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی از مدتها قبل اقدام به تاسیس "مدارس انترناسیونالیستی" در جزیره ای به نام "جزیره جوانی" نموده است. در این جزیره ۸۶ مدرسه جدید ساخته شده است. مجموعاً ۶۰۰۰۰ محصل آفریقائی در این مدارس تحصیل می کنند. محصلین انیبویائی، نامیبیائی، آنگولائی و موزامبیکئی به ترتیب ۲ و ۱ و ۲ و ۴ مدرسه را اشغال می کنند. اکثریت قریب به اتفاق محصلین را فرزندان زحمتکشان این کشورها تشکیل می دهند که از طریق کنکور برای این منظور برگزیده شده اند. این کمک فرهنگی علاوه بر کمکی است که کوبا از طریق اعزام معلم و متخصص به این کشورها، به رایگان در اختیار آنها می گذارد. در این اواخر ۶۰۰ محصل کنگوئی نیز بر این محصلین افزوده شده است. در این مدارس فرهنگ ملی هر گروه از محصلین توسط معلمین از کشور خودشان تدریس می شود و استادان کوبیائی آموزش علمی و عملی آنها را به عهده دارند. این محصلین در بازگشت به میهن خود آموزش خود را در خدمت به رشد اقتصاد مستقل کشور و یا در امور دولتی و حزبی به کار می گیرند. امپریالیستهای امریکائی که در همبستگی خلقها و آگاهی آنها نابودی آتی خود را می بینند برای بی اعتبار کردن اقدام انقلابی کوبا و فریب زحمتکشان خود امریکا، در مطبوعاتشان مقالاتی می نویسند که تیتربعضی از آنها چنین است:

"کودکان کنگوئی به زور به کوبا فرستاده می شوند" "شستشوی مغزی کودکان آنگولائی در کوبا" و ...

در آخرین مقاله از این سری آمده است که این افراد برای استفاده از نیروی کارآرزان آنها در کشتزارهای نیشکر به کوبا اعزام می شوند. کوبا بدون توجه به هذیان گوئیهای امپریالیستها به وظایف انقلابی خود در خدمت به انقلاب جهانی ادامه می دهد.

در کوبا، پس از ملی کردن شرکتها و کشتزارهای بزرگ، در اواسط سال ۱۹۶۱، ۹۰ درصد محصولات صنعتی توسط شرکتهای دولتی و ۴۱٪ محصولات کشاورزی توسط مزارع اشتراکی که دولت آنها را اداره می کرد، تولید می شد. پس از اجرای اصلاحات ارضی دوم در اکتبر ۱۹۶۳ و "تهاجم انقلابی" در سال ۱۹۶۸ که در طی آن کوچکترین بنگاههای کشاورزی نیز ملی شدند بخش سوسیالیستی در اقتصاد غالب شد و حرکت به سوی ادغام لاتیفوندیهای سابق در مزارع عظیم دولتی آغاز شد. بخش خصوصی تنها در حوزه کشاورزان خردهپا باقی ماند. سیاست دولت در مورد این کشاورزان عبارت از جذب داوطلبانه آنها به کشاورزی تعاونی می باشد. به دنبال برنامه ریزی اقتصادی، کشاورزی کوبا از حالت تک محصولی به در آمده و در راه تنوع تولیدات کشاورزی گام گذاشت. تولید فولاد که در سال ۱۹۵۹ به دنبال ورشکستگی تنها بنگاههای فلزکاری کوبا عملاً به صفر رسیده بود اکنون به ۴۰۰۰۰۰ تن بالغ می شود. سهم صنایع مکانیک و الکترونیک بر صنعت تصفیه شکر پیکشی گرفته و اساساً به تولید وسایل تولید و تصفیه شکر و وسایل خانگی می پردازند. هم چنین صنعت کود شیمیائی گسترش زیادی یافته و محصول آن از انقلاب تاکنون ۸ برابر شده است. تولید سیمان سالانه کوبا به ۲۰۰۰۰۰۰ تن می رسد. بیکاری که در دوره قبل از انقلاب ۷۰۰۰۰۰ نفر یعنی حدود یک چهارم نیروی شاغل کشور را در بر می گرفت سالهاست که از بین رفته است.

بیسوادی که مبارزه با آن با بسیج دانشآموزان و دانشجویان و معلمین از همان آغاز انقلاب آغاز شده بود، مدتهاست ریشه کن شده است. در دوره قبل از انقلاب برای هر ۱۰۰۰۰ نفر از مردم کوبا تنها ۵ پزشک وجود داشت. این رقم در حال حاضر به ۱۸ پزشک رسیده است که از رقم مربوط به انگلستان (۱۷) فرانسه (۱۷/۵) و ژاپن (۱۶) بیشتر است. تعداد پزشک در ایران ۵ نفر برای هر ۱۰۰۰۰ نفر می باشد. عمر متوسط در کوبا ۷۱ سال است و بالاخره مردم کوبا کتابخوانترین مردم امریکای لاتین هستند.

کوبای سوسیالیستی بعد از تثبیت موقعیت خود در عرصه جهانی، ضمن احترام به استقلال برحق حاکمیت خلقها همواره به مبارزات خلقها از آنجمله خلقهای ویتنام، کامبوج، لائوس و الجزایر، آنگولا و موزامبیک و گینه بیسائو علیه امپریالیسم و ارتجاع

آنها نیز در موضع طبقه کارگر قرار گرفتند. فیدل کاسترو در ۱۶ آوریل ۱۹۶۱ (یک روز قبل از حمله آمریکا به خلیج خوکها) در حالی که از حمله قریب الوقوع آمریکا خبر می داد خصلت سوسیالیستی انقلاب کوبا را اعلام نمود و سپس در اول ماه مه همان سال بیان داشت که کوبا در عرصه جهانی در صف کشورهای سوسیالیستی است و نظرات لنین درباره انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا را پذیرفته و مارکسیسم - لنینیسم را ایدئولوژی خود می داند. ارستو چه گوارا، یکی دیگر از رهبران انقلاب کوبا درباره تحولات انقلاب کوبا چنین می گوید:

"ورود ما به مسیری که نهایتاً به کمونیسم ختم می شود نتیجه منطقی یک تکامل ایدئولوژیکی که هدف معینی را دنبال کرده باشد، نیست. واقعیت سوسیالیستی و به میزان حتی بیشتر از آن واقعیت خشن امپریالیستی، راهی را که ما بعداً آن را آگاهانه پذیرفتیم برای مردم ما هموار ساخت و این راه را به آنها نشان داد."

بررسی تجربه کوبا، همراه با تجربیات سایر انقلابات رهائی بخش ملی نشان می دهد که: اولاً - در دوران ما، هر انقلاب رهائی بخش ملی اگر بخواهد به پیروزی پایدار و نهائی دست یابد باید با روند عمومی انقلاب جهانی یعنی پیشروی به سوسیالیسم کاملاً همسو شود و این بدان معنی است که باید سمت گیری سوسیالیستی داشته باشد و لازمه چنین سمت گیری تامین رهبری طبقه کارگر آن کشور در انقلاب است.

ثانیاً - اصول عام مارکسیسم - لنینیسم و تئوری لنینی انقلاب دمکراتیک و فرا روئیدن آن به انقلاب سوسیالیستی جهان شمول اند و هیچ "راه سوم" یا "استثنائی" که این اصول عام را نفی کند، وجود ندارد.

درهم شکستن دستگاه دولتی کهنه و شرکت توده ها در امور دولتی و عمومی:

دولت انقلابی کوبا بعد از به دست گرفتن قدرت، ارتش از هم پاشیده باتیستا را که در ضمن جنگ مسلحانه دو ساله در هم ریخته بود منحل نمود و ارتشی نوین که ستون فقرات آن را "ارتش انقلابی" تشکیل می داد ایجاد کرد. همچنین در دستگاه اداری انقلابی اساسی به وجود آورد. سه سازمان سیاسی عمده در کوبا در سال ۱۹۶۰ رسماً متحد شده و "سازمان متحده انقلابی" را تشکیل دادند که در سال ۱۹۶۲-۳ به "حزب متحد انقلاب سوسیالیستی کوبا" تحول یافت و بالاخره در سال ۱۹۶۵ به حزب کمونیست کوبا تغییر نام داد. این حزب در حال حاضر متجاوز از ۱۹۰۰۰۰ عضو دارد. به دنبال انقلاب ارگانهای توده ای متعددی به وجود آمده که شرکت توده ها را در امور دولتی و عمومی تامین می کنند: "سازمان جوانان کمونیست کوبا" (کسومول) که بر پایه "انجمن شورشیان جوان" در سال ۱۹۶۲ به وجود آمد، دارای بیش از ۱۳۰۰۰۰ عضو است. "مرکز اتحادیه های کارگران کوبا" (که اتحادیه های کارگری بخش های مختلف را متحد می کند) دارای بیش از ۲ میلیون عضو می باشد. "کمیته های دفاع از انقلاب" ارگانهای توده ای هستند که در سال ۱۹۶۰ برای دفاع از انقلاب به وجود آمده اند و بیش از ۴/۲ میلیون نفر (کوبا حدود ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارد) را که همه آموزش نظامی دیده اند در خود متشکل می کند و بنابراین کوبا قدرت بسیج و دفاعی عظیمی دارد. فدراسیون زنان کوبا در سال ۱۹۷۲، ۱/۶ میلیون عضو داشت. انجمن ملی کشاورزان خردهپا که از سازمان های کمک متقابل متعددی تشکیل شده، دهقانان مالک قطعات کوچک زمین را متشکل می کند و بالاخره "کمیته کوبیائی نهضت دفاع از صلح و حاکمیت خلقها" یکی دیگر از سازمان های توده ای کوبا است.

کودتاهای بی شمار توسط ارتشهای وابسته در کشورهای امریکای لاتین بخشی از سیاست امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا است.

اخبار جهانی

فلسطین

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی فلسطینی همچنان ادامه دارد. زندانیان سیاسی که به خاطر اعتراض به اعمال شکنجه توسط رژیم اسرائیلی و شرایط نابسامان زندان دست به اعتصاب غذا زده اند، در تداوم مبارزه خود در سنگر زندان دو شهید به خلق های قهرمان عرب تقدیم کرده اند. خانواده های زندانیان سیاسی در این رابطه دست به تظاهرات وسیعی در مناطق اشغالی زده اند.

به گزارش رادیو مسکو (۳ مرداد ۵۹) یکی از روزنامه های چاپ ترکیه خبری را درج نموده است مبنی بر اینکه صادق قطب زاده وزیر خارجه جمهوری اسلامی در ادامه سیاست "نه شرقی، نه غربی" خود، در اثنای اقامت در نروژ و سوئد با نمایندگان دولت امریکا دیدار و گفتگو کرده است. این روزنامه نوشته است که قطب زاده در این تماس درباره همکاری و تماس مجدد امریکا و ایران مذاکراتی کرده است.

بولیوی

مقاومت دلیرانه مردم بولیوی در مقابل کودتاگران همچنان ادامه دارد. پس از روی کار آمدن ژنرال لوئیس گارسیامزا، اعتصاب عمومی و تظاهرات اکثر شهرهای بولیوی را فراگرفته است. کارگران معدن و حمل و نقل از روز بعد از کودتا به تظاهرات و اعتصابات وسیعی دست زده اند. نظامیان برای اینکه بتوانند چند روزی بیشتر به حکومت تنگین خود ادامه دهند، نواحی محل زندگی کارگران معدن را بمباران کرده و تاکنون تعداد زیادی از کارگران را دستگیر کرده اند. لیکن کارگران قهرمان در همبستگی و اتحاد با دهقانان همچنان به مبارزه خود ادامه می دهند. تاکنون هیچ کشوری در دنیا دولت جدید بولیوی را به رسمیت نشناخته است. لازم به تذکر است که کودتای اخیر صد و هشتاد و ششمین کودتای بولیوی می باشد.

سانسور، جعل، تحریف حقایق علیه نیروهای انقلابی،

سیاست اکثر مطبوعات حکومتی است

سانسور بر همه روزنامه‌های رسمی و نیمه رسمی دولتی حکمفرماست. هیچ یک از این روزنامه‌ها حقایق و اخبار و گزارشات درست را برای مردم منعکس نمی‌کنند. اما بر عکس صفحات این روزنامه‌ها پراست از اتهامات بی‌شرمانه علیه نیروهای انقلابی، دروغ‌های آشکار، و خبرها و گزارشات تحریف شده.

روزی نیست که دست‌های مشکوک در تلاش برای دامن زدن به تفرقه و دشمنی میان صفوف مردم، ایجاد بدبینی یاس و سرخوردگی در مردم و درهم ریختن مرز میان دوستان و دشمنان مردم، خبری دروغ و گزارشی سراپا جعلی و مطالبی اساساً تحریف شده را منتشر نکنند. امروز بدون تردید توده‌های وسیع مردم هیچگونه اعتمادی به روزنامه‌های رسمی و غیر رسمی دولتی و به رادیو - تلویزیون دولت جمهوری اسلامی ندارند. اگر روزنامه‌ها در گذشته برخی از اخبار و گزارشات واقعی را به چاپ می‌زدند و یا بخشی از اطلاعات و اعلامیه‌ها و موضعگیری‌های سیاسی نیروهای انقلاب را به چاپ می‌رساندند، از چند ماه پیش دیگر حتی حاضر نیستند مطابق قانون مطبوعات در برابر فحاشی‌ها و تهمت‌های بی‌شرمانه‌ای که به نیروهای انقلابی می‌زنند، حتی پاسخ اکاذیب و تهمت‌های بی‌شرمانه خود را به چاپ رسانند و یا به آن اشاره کنند.

در ماه‌های گذشته روزنامه‌های رسمی دولتی و رادیو هر روز اتهام بی‌شرمانه جدیدی به نیروهای انقلابی وارد ساخته‌اند، اما به هیچ وجه حاضر نشده‌اند حتی کلمه‌ای از پاسخ این نیروها را برای توده‌های مردم منعکس کنند. اینک روزنامه‌ها به شیوه رژیم سابق نیروهای انقلابی را همدست قاچاقچیان همدست نیروهای وابسته به

خارج از مرزهای ایران، خرابکار و غیره جلوه می‌دهند و باز هم به شیوه سابق حتی وحشت دارند که یک جمله از پاسخ نیروهای انقلابی را به چاپ رسانند. در ماه‌های گذشته هر بار که ما به اتهامات بی‌شرمانه‌ای که به سازمان وارد ساخته‌اند پاسخ داده‌ایم و از آنها خواسته‌ایم که طبق قانون مطبوعات پاسخ ما را به چاپ رسانند. این روزنامه‌ها (جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، جهان و اطلاعات) با عدم درج پاسخ ما ورشکستگی سیاسی - ایدئولوژیک و اخلاقی خود را به اثبات رسانده‌اند. امروز دیگر کار این روزنامه‌ها به جایی رسیده که هر چه را محافل مشکوک و عناصر سه‌جهانی وابسته به امپریالیسم صلاح ببینند، علیه نیروهای انقلاب، علیه منافع مردم ایران و علیه اتحاد و یکپارچگی مردم در آنها به چاپ می‌رسانند و زشت‌ترین شیوه‌هایی را که مقامات امنیتی علیه نیروهای انقلابی به کار می‌گرفتند، به کارگیرند. این رویه مطبوعات و رادیو - تلویزیون نه تنها مردم را از دستیابی به حقایق و اخبار و گزارشاتی که در مملکت می‌گذرد محروم می‌سازد، نه تنها میان توده‌های مردم تخم نفاق و دشمنی و یاس و بدبینی می‌پراکند، بلکه عملاً زمینه را برای جلب بسیاری از مردم به رادیوها و مطبوعات امپریالیستی هموار ساخته است، چنانکه امروز بخش‌های وسیعی از مردمی که از رادیو - تلویزیون و مطبوعات دولتی بیزار شده‌اند، به رادیوهای بختیار و دولت عراق جذب شده‌اند و این خود بزرگترین فرصت را برای امپریالیسم جهانی و متحدان داخلی آن فراهم کرده است تا تبلیغات ضد انقلابی خود را به پیش برند و میلیون‌ها هموطن ما را به ادامه انقلاب و مبارزه علیه امپریالیسم

بدبین و نومید سازند و زمینه قدرت گرفتن سرسپردگان امپریالیسم و شکست استراتژیک انقلاب را فراهم سازند. روزنامه اطلاعات و روزنامه جمهوری اسلامی و آزادگان در روزهای اخیر نمونه بارزی از سانسور، تهمت پراکنی و دروغ‌پردازی علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به نمایش گذاشته‌اند. این روزنامه‌ها که در چارچوب سیاست دشمنی با نیروهای انقلابی و پخش گزارشات و اخبار دروغ علیه آنها در ماه‌های گذشته اقدامات متعددی انجام داده‌اند در روزهای گذشته گینه‌توزی علیه ما، مجاهدین خلق و سایر نیروهای ضد امپریالیست را به شدت افزایش داده‌اند و در اشاعه اتهامات بی‌شرمانه و گزارشات عوامفریبانه به رگوردهای جدیدی دست یافته‌اند. روش این روزنامه‌ها را باید در چارچوب همان سیاستی بررسی کرد که تلاش دارد با پخش شایعات گوناگون علیه نیروهای انقلابی به ویژه انقلابیون کمونیست، با تلاش در وابسته جلوه دادن کمونیست‌ها به نیروهای خارج از مرز، از حیثیت و اعتبار روز افزون کمونیست‌ها و سایر نیروهای انقلابی بکاهد. پخش شایعات و تبلیغات خصمانه علیه سازمان ما و تلاش در جهت مخدوش ساختن مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمان که در یکی دو ماهه اخیر گسترش همه‌جانبه‌ای یافته و اپورتونیسیم چپ و راست نیز دست در دست بورژوازی و خرده‌بورژوازی به آن دامن زده‌اند، سازمان ما را آماج حملات همه دشمنان کمونیسم و جبهه نیروهای انقلابی را آماج تهاجمات خصمانه نیروهای انحصارطلب و عناصر سه‌جهانی ساخته است. هدف از این تبلیغات همانگونه که بارها تاکید کرده‌ایم تلاش در به انفعال کشاندن عناصر پر شور جنبش

کمونیستی، کاهش اعتبار انقلابیون کمونیست، ایجاد جو یاس و بدبینی میان مردم و هموار ساختن زمینه بقدرت رسیدن محافل سرسپرده به امپریالیسم امریکاست. محافل مشکوک روزنامه اطلاعات در تاریخ ۳۱ تیرماه با تیترهای بزرگ در نخست روزنامه چنین نوشت: "موافقت چریکهای فدائی خلق و کشورهای بزرگ برای کودتا جلب شده بود" و این در حالی بود که بسیاری از مردم آگاه ایران بخوبی می‌دانستند که سازمان ما و سایر نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست در کشف و افشای توطئه کودتا نقش داشته و امروز با تمام توان خود در این راه تلاش می‌کنند. ما علیه این اتهام بی‌شرمانه روزنامه اطلاعات اعلام جرم کردیم و نسخه‌ای از آن را برای روزنامه اطلاعات و روزنامه جمهوری

در ماه‌های گذشته روزنامه‌های رسمی دولتی و رادیو هر روز اتهام بی‌شرمانه جدیدی به نیروهای انقلابی وارد ساخته‌اند. اینک روزنامه‌ها به شیوه رژیم سابق نیروهای انقلابی را همدست قاچاقچیان، همدست نیروهای وابسته به خارج از مرزهای ایران، خرابکار و غیره جلوه می‌دهند و باز هم به شیوه سابق حتی وحشت دارند که یک جمله از پاسخ نیروهای انقلابی را به چاپ رسانند.

اسلامی که اکاذیب روزنامه اطلاعات را در تاریخ اول مرداد به چاپ رساند و نیز برای روزنامه‌های کیهان و انقلاب اسلامی ارسال داشتیم اما هیچ یک از آنها حاضر نشدند حتی اشاره‌ای به پاسخ ما بکنند. روزنامه اطلاعات چند روز بعد (در تاریخ دوم مرداد) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیلی در رابطه با انشعاب در سازمان چریکها" مطالبی به چاپ رساند که خود بهترین سند دشمنی نویسنده یا نویسندگان این مطلب علیه انقلاب ایران و دشمنی و سرسپردگی آنها به امپریالیسم جهانی است. سراسر مقاله نشان می‌دهد

که مواضع سازمان که بیشترین ضربه را به ضد انقلاب و محافل وابسته به امپریالیسم وارد ساخته است، امید نویسنده یا نویسندگان را ناامید ساخته. آنها چاره‌ای جز این ندیده‌اند که مذبوحانه و با وارد ساختن اتهامات بی‌شرمانه مشی سیاسی سازمان را مخدوش سازند. ما به دلایل زیر نویسنده یا نویسندگان روزنامه اطلاعات را از جاسوسان سه‌جهانی و یا سایر محافل وابسته به امپریالیسم و مبلغین سیاست امپریالیسم جهانی در ایران می‌دانیم.

آنها از مبارزه سازمان علیه لیبرال‌ها به ویژه علیه باند بازرگان و شرکا که مورد حمایت امپریالیسم بوده و هستند و امروز اکثریت مردم ایران از این واقعیت آگاه هستند، سخت ناراحتند و بی‌شرمانه تلاش دارند این عناصر را انقلابی و دوستان مردم جا بزنند و سیاست سازمان ما را که افشا و طرد این عناصر و محافل وابسته است، سیاستی مغایر مصالح انقلاب جلوه دهند. به جملات زیر توجه کنید:

"رهبری چریکهای فدائی بنا به ارزیابی مجددش بر این عقیده شد که خیر دولت بازرگان دولتی ملی

در ماه‌های گذشته روزنامه‌های رسمی دولتی و رادیو هر روز اتهام بی‌شرمانه جدیدی به نیروهای انقلابی وارد ساخته‌اند. اینک روزنامه‌ها به شیوه رژیم سابق نیروهای انقلابی را همدست قاچاقچیان، همدست نیروهای وابسته به خارج از مرزهای ایران، خرابکار و غیره جلوه می‌دهند و باز هم به شیوه سابق حتی وحشت دارند که یک جمله از پاسخ نیروهای انقلابی را به چاپ رسانند.

و ضد امپریالیست نیست، بلکه دولت سرمایه‌داری لیبرال و ضد مردمی است." نویسنده نتیجه می‌گیرد که این موضعگیری سازمان خشم مردم را برانگیخت و "آنگاه یکی از شعارهای مردم تبدیل به مرگ بز فدایی گردید. رهبری چریکها که خود را در برابر موج سهمگین زحمتکشان می‌دید... این آقا یا آقایان نویسنده مقاله خوب می‌دانند که موضعگیری ما علیه محافل لیبرال نه خشم مردم بلکه خشم محافل وابسته به امپریالیسم و جاسوسان سه‌جهانی را برانگیخت و بقیه در صفحه ۱۱

سانسور، دروغ و جعل حقایق را افشاء کنیم



بقیه از صفحه ۱

شاه را بگور...

تعیین سرنوشت خود به دست خود اثبات می کند .
شاه مرد با مبارزه مردم ما برای رهایی از سلطه امپریالیسم به فرجام نهائی نرسیده و همچنان ادامه دارد .
محمد رضا شاه ۳۷ سال برای تامین منافع امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران و زمینداران و تجار بزرگی که متحد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و شریک غارت های آن هستند ، مردم ما را غارت کرد .
غارت و چپاول ، فقر و بی خانمانی ، گرسنگی و ورشکستگی ، زندان و شکنجه و اعدام تنها کلماتی هستند که در کارنامه ۳۷ ساله حکومت محمد رضا شاه می توان سراغ گرفت .
شاه مرد و مبارزه برای استقلال ، کار ، مسکن و آزادی با گام های استوار هر روز به پیش رانده می شود .
ناگفته پیداست که امپریالیسم آمریکا و همه کسانی که خواهان تحکیم سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، در میهن ما هستند . همه آن کسانی که علیه مبارزات مردم ما ، قداره بسته اند و شب و روز آشکار و نهان به توطئه چینی مشغولند کوشش خواهند کرد که از این فرصت در جهت هدف های پلید خود بهره برداری کنند .
شاه مرد و اکنون دوستان آمریکا کوشش خواهند کرد ، با استفاده از این فرصت ، مسئله گروگان ها را فیصله دهند و در راه تحکیم روابط ایران با آمریکا گام هایی به جلو بردارند .
سازمان ما اطمینان دارد که همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست با سازمانگری سیاسی و اقدامات آگاهانه خود نخواهند گذاشت دشمنان مردم نیرنگ تازه ای ساز کنند . اطمینان داریم مردم که سرنگونی بساط شاهنشاهی محمد رضا شاه را تا به گور سپردن او پیش بردند ، انقلاب را به پیروزی خواهند رساند .
شاه را به گور سپردیم ، امپریالیسم آمریکا را نیز به گور خواهیم سپرد .

سازمان به سود خود بهره برداری کنند ، شیوه های غیر کمونیستی می دانیم که بزرگترین ضربات را به جنبش کمونیستی وارد می سازد و تبلیغات و شایعات را جانشین مبارزه ایدئولوژیک می کند .
تبلیغات و اتهامات ناجوانمردانه علیه انقلابیون کمونیست و علیه سازمان مجاهدین خلق ایران که امروز از طریق رسانه های گروهی (روزنامه های رسمی و غیر رسمی دولتی و رادیو-تلویزیون) با شدت و حدت تمام ادامه دارد ، هر چند خواست حزب جمهوری اسلامی و سایر محافل انحصار طلب حاکم است ، اما این تبلیغات را عمدتاً محافل وابسته به امپریالیسم جهانی و جاسوسان سه جهانی سازماندهی و هدایت می کنند و از این طریق بیشترین صدمات را به انقلاب و بزرگترین خدمات در راه اهداف و منافع امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن انجام می دهند .
این تبلیغات از طریق شبکه های وسیع جاسوسی آمریکا و بازماندگان رژیم سلطنتی که هم اکنون دوباره سازماندهی شده اند در چهار گوشه ایران دامن می زنند ، با توجه به این تبلیغات و شایعات بی شرمانه و کینه توزانه علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که محور شکل جنبش کمونیستی ایران است ، از مردم آگاه و مبارز ایران ، از همه نیروهای انقلابی و از هواداران سازمان می خواهیم در راه خنثی ساختن تبلیغات زهرآگین دشمنان جنبش کمونیستی و دشمنان مردم همه تلاش خود را به کار گیرند ، چهره روزنامه ها و همه محافل و عناصر دروغ پرداز و عوام فریب را با ذکر شواهد و دلایل کافی برای مردم توضیح دهند و اجازه ندهند سانسور و تحریف حقایق و تبلیغات و شایعات عوام فریبانه مردم را بفریبد و آنان را به یاس ، بدبینی از نیروهای انقلابی ، نفاق و چند دستگی و انفعال که خواست امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلی آن است ، بکشاند . در شرایط حساس کنونی ، این وظیفه خطیر بیش از همه بر دوش عناصر آگاه ، فعال و پرشور جنبش کمونیستی ایران است .

امپریالیسم و عوامل وابسته به آن تمام می شود ، خشمگیر و برآشفته اند ، آنها به ویژه موضعگیری مقاله ۵۹ که بر پیسبرد مبارزات ضد امپریالیستی ، حمایت از روحانیت ضد امپریالیست و استقرار صلح در کردستان پافشاری دارد ، به خشمی جنون آمیز دچار شده اند و برای دفاع از نظرات خود و محکوم ساختن مواضع سازمان مذبحخانه از این حملات منسحبین که گفته اند مواضع اکثریت " نه تنها مورد تأیید ما نبوده بلکه مورد پشتیبانی هیچ یک از اعضای صدیق و انقلابی سازمان نمی توانست قرار گیرد " کمک گرفته اند .
۴- نویسنده مقاله روزنامه اطلاعات با محاسبه روحیات و مواضع روشنفکران جنبش نسبت به " حزب توده " کوشیده است با یکسان جلوه دادن مواضع و دیدگاه های سازمان ، با " حزب توده " و مخدوش ساختن سیاست های ما با سیاست های این جریان از اعتبار و حیثیت سازمان بکاهد . امثال نویسنده مقاله ماهها است تلاش دارند با مخدوش ساختن مواضع سیاسی ایدئولوژیک سازمان ما با " حزب توده " روحیه پرشور هواداران سازمان را به انفعال و سرخوردگی کشانند و جنبش کمونیستی ایران را که امروز تاریخ میهن ما رسالتی بسیار بزرگ و دشوار را بر دوش آن گذاشته است ، تضعیف کنند .
لازم به تذکر است که " حزب توده " باز هم به سرور مرسوم خود کوشیده است در پاسخ به تحلیل نویسنده این مقاله به تبلیغ برای خود بپردازد و خود را به نوعی در سیاست های سازمان ما سهیم بداند . ما بار دیگر اعلام می داریم که در موضعگیری های ما منافع و مصالح خلق ایران و انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهنمان در نظر گرفته می شود و بدیهی است که در این راه تاکتیک ها و سیاست های سازمان ما ممکن است در هر دوره و در هر مورد مشخص از تاکتیک ها و سیاست های فلان جریان سیاسی دور و یا به آن نزدیک شود و این هیچ ربطی به آن جریانات ندارد . بنا بر این ما تبلیغات فرصت طلبان چپ و راست را که همواره می کوشند با تبلیغات و شایعات پیرامون موضع

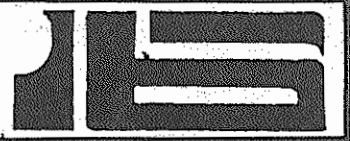
بقیه از صفحه ۱۰

ساقسور، جعل، تحریف...

موضعگیری ضد انقلابی و امریکایی قرار دارند به شیوه کارشناسان رژیم سابق وابسته جلوه دهد و مذبحخانه می گوید سازمان ما را که همواره تنهابه خلق کبیرمان متکی بوده و خواهد بود تابع سیاست های کشورهای سوسیالیستی قلمداد کند . نویسنده یا نویسندگان مقاله در ارائه خبرها و اطلاعات سراپا دروغ و بی اساس خود از سفر مخفی یکی از اعضای سازمان به " روسیه " صحبت می کنند و از منسحبین سازمان می خواهند که درباره این سفر اطلاعات خود را در اختیار آنان بگذارند . نویسنده بخصوص از آن نظر تلاش دارد چنین شایعه های را رواج دهد که می خواهد انشعاب سازمان و سیاست های سازمان را در ارتباط با نیروهای خارج از مرزهای ایران بررسی کند .
ما همانگونه که بارها اعلام داشته ایم دوستی و همبستگی متقابل میان احزاب و نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست جهان ، نیروهایی که در مبارزه خلق ما برای استقلال و رهایی میهن از چنگال امپریالیسم جهانی در کنار خلق ما قرار دارند ، را برای نیروهای مردمی و ترقیخواه ایران امری مثبت که به سود مصالح و منافع خلق ایران و به زیان امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن است ، می دانیم ، اما با این همه صرفاً برای اینکه نشان دهیم که عوامل رسوای وابسته به امپریالیسم تا چه حد در تحلیل ها و ارزیابی های خود به دروغ های بی اساس و اکاذیب متکی هستند اعلام می داریم که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نه مذاکره ای با مقامات رسمی و غیر رسمی شوروی داشته و نه هیچ یک از اعضای سازمان سفری آشکار یا مخفی به اتحاد شوروی داشته اند . بنابراین ما خبرها و اطلاعات سراسر بی پایه و مغرضانه جاسوسان سه جهانی را قویاً تکذیب می کنیم .
۳- نویسنده یا نویسندگان مقاله بیش از هر چیز از تلاش ساکمان برای استقرار صلح در کردستان که به زبان

همانها بودند که در برابر مواضع انقلابی سازمان ما ، بی شرمانه به دفاع از اربابان امپریالیست خود پرداخته و شعار " مرگ بر فدایی " را تبلیغ می کردند .
۲- امپریالیسم آمریکا همواره تلاش دارد برای آنکه از فشار انقلابی خلق های مبارز جهان علیه خود و متحدانش بکاهد ، کشورهای سوسیالیستی را دشمن خلق های جهان جلوه دهد . امروزه شبکه های جاسوسی سیا و عوامل کثیف امپریالیسم آمریکا و جاسوسان سه جهانی از آنجا که نمی توانند مستقیماً و آشکاراً از امپریالیسم به دفاع برخیزند ، دستور دارند کشورهای سوسیالیستی را نیز در کنار امپریالیسم آمریکا بگذارند و حتی شوروی را به عنوان " امپریالیسم نوحاسته " و " خطری بزرگتر از امپریالیسم آمریکا " جلوه دهند تا به این ترتیب از فشار توده های به پا خاسته علیه امپریالیسم جهانی بکاهند .
در مقاله های اطلاعات ، کیهان ، جمهوری اسلامی و آزادگان نیز نویسندگان در تمام مقاله ها همین هدف را دنبال کرده اند و به این بهانه که " ملت ما به مصممانه ترین شکلی ابر قدرت آمریکا را بیرون کرده است . " تلاش دارند مساله مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را فرعی جلوه دهند و وظیفه مردم را مبارزه علیه " ابر قدرت نوحاسته شوروی " می دانند . نویسنده یا نویسندگان مقاله می افزایند :
" حالا " ابر قدرت نوحاسته روسیه " نیز می خواهد که میهن ما را زیر سلطه خود کشد و مردم ما را استثمار کرده منابع طبیعی ما را به غارت برد و ایران را بعنوان پایگاه نظامی در جنگ آینده خود با آمریکا مورد استفاده قرار دهد . "
نویسندگان این روزنامه ها از جمله اطلاعات ، در ادامه این لاپلاطالات مرتب تلاش دارد توجه خواننده را از امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن به سوی کشورهای سوسیالیستی جلب کند و نیروهایی را که در برابر این

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی ، سیاسی نظامی ، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا



پیروزی باد آرمان انقلابی رفقای شهید

بقیه از صفحه ۱

موج اعدام فرزندان انقلابی خلق

خشم و نفرت مردم را از این جنایات وحشیانه...

جوخه اعدام سپردند. در بین این شهدا کسانی چون "عزیزیان" دبیر انقلابی سیرجان هستند که تنها به دلیل دفاع از معتقدات سیاسی و ایدئولوژیک فدائیان خلق و به خاطر آن که آثار و اعلامیه‌های سازمانشان را به همراه داشتند محکوم به مرگ شدند. دستگیری و اعدام جنایتکارانه انقلابیون

مطلق العنان پنداشته‌اند و دست خود را در ارتکاب هر جنایتی باز می‌بینند. حکم دادگاه انقلابی اسلامی کرمان مبنی بر سنگسار زن و مرد کرمانی حقیقت تلخ و کریه و جنایتباری را به جهانیان معرفی کرد. هم اکنون گروهی از هواداران سازمان ما، در زندان‌های جمهوری اسلامی در خطر اعدام به سر می‌برند

خشم و نفرت مردم آگاه از بازداشت و اعدام‌های جنایتکارانه انقلابیون، هشدار بزرگی برای جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی با صدور این احکام به راهی قدم می‌نهد که پایان آن را سرنوشت دهها رژیم مشابه در اقصی نقاط جهان از قبل پیش‌بینی کرده است. کسانی که دست به این جنایات می‌زنند بدانند که

در برابر این سیاست دور و کینه‌توزانه‌ای که برخی از حکام شرع پیش گرفته‌اند و در برابر سیاستی که می‌بینیم آشکارا می‌کوشد موج ترور و اختناق را گسترش دهد، ما چه باید بکنیم؟ وظیفه هر انقلابی است که صدای اعتراض و انزجار خود را از این اعمال ضد انقلابی و حتی ضد بشری به گوش همه مردم زحمتکش ایران و جهان برساند. سکوت در برابر این جنایات هرگز مانع تکرار آنها نخواهد شد. باید توده‌ها را از این اعمال آگاه ساخت و اعتراضات آنان را علیه این اعمال سازمان داد و به اتکالی نیروی توده‌ها، مانع از تکرار این جنایات شد. باید هشیارانه آگاه بود که هر نوع تشنج و درگیری، هر نوع زد و خورد و هر

کوششی که توده‌ها را به درگیری قهرآمیز بکشاند، در شرایط فعلی به زیان مبارزه ضدامپریالیستی بطور اعم و پیش از همه به زیان نیروهای انقلابی است. به ویژه به نظر می‌رسد که حکام شرع شهر گنبد، رشت کرمان و اهواز و ... طرح‌های تحریک آمیزی را برای به آشوب کشانیدن این مناطق تدارک دیده‌اند. نیروهای انقلابی باید با هوشیاری تمام اجازه ندهند اعتراض توده‌ها به جنایات این دسته از حکام شرع از حالت مسالمت‌آمیز خارج شود و در عمل زیان آن بیش از همه متوجه نیروهای مترقی گردد. تمام تلاش آنان بخاطر آن است که مبارزات مسالمت‌آمیز توده‌ها را چنانکه بارها شاهد بوده‌ایم به خون کشند، جوی

جنگ زده بیافرینند تا راه را برای سرکوب مبارزات مردم هموار سازند. خطرناک‌ترین خطای نیروهای انقلابی آن است که خود تسهیل‌کننده این تهاجم‌های سرکوبگرانه گردند. اما نباید پنداشت که بهترین راه گریز از این خطاها همسوئی با سرکوبگران و دعوت مردم به خاموشی در برابر این اعمال است. عنصر انقلابی در گردن کسی است که در شرایط فعلی سازمانگر اعتراضات مسالمت‌آمیز توده‌ها باشد. عنصر غیر انقلابی در کردار کسی است که در برابر این جنایات مردم را دعوت به سکوت می‌کند و عنصر انقلابی در گفتار و ضد انقلابی در کردار کسی است که در شرایط فعلی مبارزه توده‌ها را به سوی خشونت سوق دهد و زمینه ساز موج سرکوب گردد.

تقی شهرام، اجازه نداد دادگاه از محاکمه او علیه نیروهای انقلابی بهره برداری کند

دادگاهی که تقی شهرام را محاکمه کرد، کوشید از همان ابتدا عمل شهرام و دیگر همفکرانش را وسیله‌ای برای محکوم ساختن جریان انقلابی که در سال‌های خفقان و دیکتاتوری، دلاوران علیه شاه خائن می‌جنگیدند، تبدیل ساخته و از آن شیوه‌ای که گویا مورد قبول و روش عام همه انقلابیون راستین بویژه کمونیست‌ها است، بسازد.

یک سال پس از دستگیری مبارز پرسابقه، تقی شهرام هفته گذشته او محاکمه و به جوخه اعدام سپرده شد. شهرام یکی از رهبران جریانی بود که به دنبال انشعاب در سازمان مجاهدین خلق در سال ۵۴، موجب شهادت چند تن از اعضای این سازمان شد. سازمان ما همانگونه که در آن زمان و بارها پس از آن اعلام داشت، اتخاذ چنین شیوه و روش‌هایی را در صف نیروهای انقلابی به زیان جنبش کمونیستی و وحدت نیروهای انقلاب دانسته و قویا محکوم ساخته است. چنین روش‌هایی که به دشمنی و تفرقه در صفوف نیروهای انقلابی دامن می‌زند، نمی‌تواند جز در خدمت دشمنان مردم که پیوسته در پی ایجاد شکاف در میان توده‌های خلق می‌باشند، قرار گیرد. اما در پیش گرفتن این شیوه‌های زیانبار - از جمله عمل شهرام - نه در یک دادگاه جنایی، بلکه می‌باید در مناسبات فی‌مابین نیروهای انقلابی و با در نظر گرفتن شرایط مبارزه در

دوران سیاه دیکتاتوری شاه مورد بررسی و قضاوت قرار گیرد. دادگاهی که تقی شهرام را محاکمه کرد، کوشید از همان ابتدا عمل شهرام و دیگر همفکرانش را به وسیله‌ای برای محکوم ساختن جریان انقلابی که در سال‌های خفقان و دیکتاتوری دلاوران علیه رژیم شاه خائن می‌جنگیدند، تبدیل ساخته و از آن شیوه‌ای که گویا مورد قبول و روش عام همه انقلابیون راستین، به ویژه کمونیست‌ها است، بسازد. دادگاهی که با این هدف تشکیل شده بود، به هیچ روی نمی‌توانست یک دادگاه انقلابی باشد و بدیهی است که صلاحیت چنین محاکمه‌ای را نداشت. تصمیم از قبل گرفته شده دادگاه برای شهرام شرایطی را که وی بتواند آزادانه از خود دفاع کند، فراهم نیآورد. از جمله وکیل مدافع انتخابی تقی شهرام را نپذیرفتند. در تنها جلسهای که شهرام در دادگاه حضور پیدا کرد، اجازه نیافت که ریشه‌های واقعی

بقیه در صفحه ۱۹

بر اساس دشمنی جمهوری اسلامی با انقلابیون کمونیست و هراس آن از رشد آگاهی زحمتکشان و گسترش نفوذ نیروهای انقلابی در میان مردم صورت می‌گیرد. آنها غافلند از اینکه این اعدام‌های وحشیانه مبارزه فدائیان خلق را در متشکل ساختن کارگران و دهقانان علیه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، فتوادل‌ها و خوانین پیگیرتر و عزم آنان را در دفاع از دستاوردهای مبارزات خلق راسخ‌تر خواهد ساخت. برخی حکام دادگاه‌های شرع خود را سلاطین

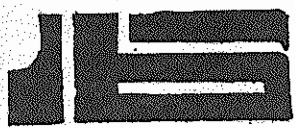
که حالی حالیزاده فرزند انقلابی ترکمن، یکی از آنان است. اعدام جنایتکارانه انقلابیون که در راه رهایی خلق‌های قهرمان ایران از سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا پیکار می‌کنند، در شرایطی صورت می‌گیرد که خطرات بی‌شماری مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما را تهدید می‌کند. این اعدام‌ها با برانگیختن تخم کینه و نفاق میان مردم، بیش از پیش امپریالیست‌ها و دشمنان واقعی خلق را خوشحال و شادمان خواهد کرد.

نه تنها با این اقدامات هرگز موفق نخواهند شد آب رفته را به جوی بازگردانند بلکه روز به روز در دل مردم زحمتکش که از گرانی و بیکاری به تنگ آمده‌اند تخم کینه و نفرت عمیق‌تری نسبت به این اعمال وحشیانه خواهند پاشید. جوخه‌های تیرباران فدائیان خلق در دل خلق نیرو و اعتماد و محبت نسبت به فدائیان خلق می‌کارد و این چیزی است که کوردلان تاریخ از درک آن غافل مانده‌اند. یقین بدانیم که آنان با آلودن دست خود به خون فدائیان خلق می‌خواهند جمهوری اسلامی ایران را بر

جوخه‌های اعدام بنا نهند. سرنوشت نکبت‌بار آزموده‌های را می‌آزمایند. ما پنهان نمی‌کنیم که دادگاه‌های انقلاب از آغاز تا امروز نقش بسیار موثری در متلاشی کردن سیستم ضد خلقی رژیم آریامهری داشته است. مردم ما صدور احکام اعدام هویداها، نصیری‌ها و دیگر جنایتکاران رژیم سابق را فراموش نکرده‌اند. مردم همواره از ادامه سرکوب و مجازات تمام جنایتکاران وابسته به رژیم شاه و دیگر توطئه‌گران که همگی مزدوران محافل امپریالیستی هستند

پشتیبانی کرده‌اند. لیکن در عین حال مردم اولاً به درستی عملکرد تمام دادگاه‌ها را یکسان نمی‌دانند ثانیاً همواره کمال نفرت و انزجار خود را از صدور احکام اعدام برای انقلابیون اعلام کرده‌اند. حکومت جمهوری اسلامی از سرنوشت دیگر رژیم‌هایی که به این جنایات دست می‌زنند، درس نگرفته است حکومت جمهوری اسلامی ایران بداند با هر قطره خونی که از پیکر رفقای ما بر زمین می‌ریزند تخم بادی می‌کارد که از آن فقط توفان درو خواهد کرد.

پیروزی باد آرمان انقلابی رفقای شهید



رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق دشمن خلق های پاکستان و منطقه و نوکر سرسپرده امپریالیسم امریکا

(قسمت دوم)

قطب زاده کیست ؟

قطب زاده یکی از عوامفربترین چهره‌هایی است که با قیام مردم ما در مصدر امور قرار گرفت. این عضو شورای انقلاب، در نخستین روزهای تصدی در تلویزیون رسماً به سانسور اخبار و گزارشات پرداخت و تلویزیون را به دستگاه تبلیغاتی علیه انقلابیون و به ویژه کمونیستها و کشورهای سوسیالیستی تبدیل کرد.

قطب زاده دشمنی با انقلابیون، گسترش نقار ملی و تشویق "چماقداری" و ... را تبلیغ می‌کرد و می‌کوشید از امکاناتی که در اختیار دارد، در تطهیر چهره کثیف امپریالیسم امریکا بیشترین استفاده را بکند. او همواره می‌کوشد امپریالیسم امریکا این دشمن اصلی و بزرگترین دشمن خلقهای جهان را از زیر ضرب مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران برهاند. وی زیر پوشش اسلام می‌کوشد دشمنی با امپریالیسم را به دشمنی با انقلابیون کمونیست مبدل سازد.

قطب زاده در تبلیغات خود علیه کمونیستها دروغ‌های بی‌شمارانه‌ای می‌سازد. او یکبار در یکی از مصاحبه‌هایش که از رادیو پخش شد، چنین گفت:

"در گنبد کمونیستها لباس روحانیون را پوشیده و به حمام زنانه رفته و شکم یک زن حامله را دریده و بچه او را کشته‌اند!"

در جریان مبارزه بر سر تحویل جاسوسان امریکا، حملات و ناسزاهای قطب زاده به "دانشجویان مسلمان

پیرو خط امام" ماهیت واقعی او را نزد توده‌های مردم روشن تر ساخت. در این دوران او تمام کوشش خود را برای جلوگیری از افشای دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا به کار بست. او برای منزوی کردن "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" تا آنجا که می‌توانست تلاش کرد.

سیاست قطب زاده در پست وزارت امور خارجه در جهت نزدیکی به امپریالیسم امریکا و دوستی با دولتهای ارتجاعی و ضد مردمی منطقه است. قطب زاده برای احیای پیمان‌های امپریالیستی در منطقه به منظور سرکوب مبارزات خلقهای منطقه تمام مساعی خود را بکار می‌بندد.

او گروه‌های افغانی وابسته به امپریالیسم امریکا را سازمان داد و از تمامی امکانات جمهوری اسلامی ایران برای تقویت آنان سود جست. قطب زاده بر پایه دشمنی با کشورهای سوسیالیستی دوستی جمهوری اسلامی ایران را با دولتهای دست‌نشانده امپریالیسم در منطقه تحکیم می‌بخشد و بیشترین شادمانی را برای امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا فراهم می‌آورد.

قطب زاده از هر جهت مستحق آن است که به جرم خیانت‌هایش به آرمان مردم ما محاکمه شود.

شناخت چهره قطب زاده تجربه دیگری است برای مردم ما که عناصر و محافل سیاسی را نه بر اساس ادعاها و گفتارشان بلکه بر اساس کردار آنها و قبل از هر چیز در میدان عمل بیازمایند. تجربه قطب زاده که برای انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ما بسیار گردن تمام شده‌است، امروز باید به توده‌ها شناسانده شود و در خدمت تعمیق انقلاب قرارگیرد.

پاکستان بازار فروش اسلحه امریکائی :

اطلاعاتی که در مورد خرید اسلحه دولت پاکستان از امریکا است اکثراً طبقه بندی شده هستند. اما ارقام موجود حاکی از آن است که این کشور بین سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۰ بین ۱ تا ۱/۵ میلیارد دلار اسلحه از امریکا خریداری کرده است و در سال ۱۹۷۱ علی‌رغم محدودیت‌های ظاهری دولت امریکا فقط ۲۸/۸ میلیون دلار اسلحه را بطور نقدی به دولت پاکستان فروخته است. ارتش پاکستان کلاً با اسلحه‌های امریکائی تجهیز شده و سران آن هم در امریکا تعلیم یافته‌اند. ظرف یک سال اول که پاکستان رسماً به سلک متحدین امریکا پیوست مخارج نظامی آن ۴۴/۵ درصد اضافه گردید. دولت ارتجاعی پاکستان از همان اولین سال‌های موجودیت به پیمان‌های نظامی امپریالیستی چون "سیتو" و پیمان بغداد (سنتو) پیوست و در سه جنگ با هندوستان درگیر شد. کمک‌های نظامی امریکا فقط به فروش اسلحه و آموزش افسران ارتش محدود نمی‌شود. امریکا هم اکنون از پایگاه‌های دریائی این کشور استفاده می‌کند و در سفر اخیر برزیل کمیته مشاور امنیت کارتر قول کمک‌های نظامی ۴۰۰ میلیون دلاری به این کشور را داده است.

البته ضیاء الحق هنوز بیشتر از اینها احتیاج دارد. کمک‌های نظامی امریکا هم مسلماً به همین جا محدود نمی‌شود. فتوئال‌ها و دست پروردگان امپریالیسم د افغانستان به کمک دولت ضیاء الحق مسلح شده‌اند و این مسلمانان طریق "کمک‌های" مخفی امریکا می‌باشد. آمار حاکی از آن است که پاکستان سالانه حداقل بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار اسلحه از امریکا دریافت می‌دارد و بر این مقدار باید کمک‌های نظامی دولت مرتجع چین را به پاکستان که تاکنون بالغ بر ۲ میلیارد دلار می‌شود اضافه نمود.

زندگی زحمتکشان پاکستان بسیار رقت‌آور است. در حالی که میلیون‌ها دلار خرج مخارج نظامی می‌شود بیش از ۳۰٪ نیروی کار مردم این کشور از بیکاری رنج می‌برند. تورم در این کشور به شکل سرسام‌آوری رشد می‌کند. بطوری که کارشناسان اقتصادی آن را تا مرز ۳۰ درصد تخمین زده‌اند. وضع بد و تحمل ناپذیر

نیرومند انقلابی باعث شده است که بورژوازی از این مبارزات سود جوید و از آن به عنوان سکوی پرش خود به قدرت استفاده نماید.

"حزب خلق پاکستان" که یک حزب بورژوائی (با گرایش لیبرالی) است و تحت رهبری بوتو قرار داشت در اوائل دهه قرن حاضر با شرکت در انتخابات قدرت را به دست گرفت. این حزب که خود را طرفدار حکومت غیرنظامی‌ها می‌دانست سرانجام در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) به وسیله کودتای ضیاء الحق (که نماینده بورژوازی وابسته به زمین است و راست‌ترین جناح طبقه حاکم پاکستان می‌باشد) از قدرت ساقط شد و از آن پس نیز هرگونه آزادی‌های بورژوائی در پاکستان سرکوب شد. روزنامه‌ها تحت سانسور شدید قرار گرفتند، مخالفین رژیم زیر شکنجه و اعدام به قتل رسیدند و حتی بخش‌هایی از "ائتلاف ملی پاکستان" حزب راستگرائی که خود نظامیان را به کودتا تشویق کرده بود نیز از قدرت کنار زده شدند. حکومت نظامی پاکستان تاکنون چند بار قول انتخابات به مردم داده است ولی هر بار آن را معلق ساخته است. از صد حزبی که در سال جاری تقاضای شرکت در انتخابات این کشور را کرده بودند تنها ۱۶ حزب اجازه شرکت در انتخابات یافتند که با تعلیق انتخابات آنها هم به کنار زده شدند.

جنبش چپ در پاکستان در اوائل دهه جاری رشد شتابانی به خود گرفت اما در سال‌های اخیر ضربات شدیدی به وسیله دولت سرسپرده ضیاء الحق به آن وارد گردید. هم اکنون چندین سازمان و حزب انقلابی چپ در پاکستان فعالیت زیرزمینی دارند که متأسفانه اطلاعات ما در مورد آنها بسیار محدود می‌باشد.

حکومت مرتجع پاکستان محکوم به نابودی است

دولت ضیاء الحق هم اکنون خود را به عنوان ناجی مردم افغانستان جا می‌زند. اما چه کسی است که نداند این رژیم مجری طرح‌های امپریالیستی علیه مردم انقلابی افغانستان و دولت مترقی این کشور می‌باشد. امپریالیسم امریکا که پایگاه‌های خود را در ایران و افغانستان از دست داده است، اکنون بیش از هر زمان دیگری توطئه چینی خود علیه خلق‌های منطقه را گسترش بخشیده است و رژیم‌های ارتجاعی چون عربستان، عراق و پاکستان، مجریان این طرح‌های امپریالیستی هستند. مسلح کردن خوانین افغانستان علیه دولت مترقی این کشور، مانورهای نظامی امریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند، توطئه‌های امپریالیسم علیه مبارزات خلق‌های ایران، همه و همه حلقه‌های زنجیر توطئه امپریالیستی هستند. اما مبارزات خلق‌های منطقه و اتحاد روزافزون آنها در مبارزه علیه امپریالیسم سرانجام رژیم‌های مرتجع را سرنگون خواهد ساخت. سرنوشته رژیم ضیاء الحق همان سرنوشته رژیم شاه، داوودخان و سایر مرتجعین است. این را مبارزات خلق‌های ایران و افغانستان به اثبات رساندند. وظیفه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست ایران حمایت بی قید و شرط از مبارزات خلق‌های پاکستان علیه رژیم ضیاء الحق و امپریالیسم امریکا است. افشای همه جانبه رژیم ضیاء الحق تنها در این راستا معنی می‌دهد. خلق‌های منطقه در اتحاد با هم گور امپریالیسم را هر چه عمیق‌تر می‌کنند. پیروزی از آن خلق‌های دلاور منطقه است.

ضیاء الحق کیست ؟

ضیاء الحق "رئیس جمهور" فعلی پاکستان، در سال‌های جوانی به خدمت ارتش انگلستان درآمد و در جنگ‌های این ارتش در کشورهای اندونزی، برمه و مالزی شرکت داشت. وی در سال ۱۹۴۵ مراحل افسری را آغاز نمود و در پایگاه‌های امریکائی "فورت نوکس" و "فورت لیون‌ورث" تعلیم دید و در سال ۱۹۶۸ به درجه سرلشکری رسید.

در سال بعد، یعنی در سال ۱۹۷۰ به عنوان مشاور نظامی ملک حسین پادشاه اردن، در این کشور به سر می‌برد و در سرکوب سپتامبر سیاه ۱۹۷۰ که در آن هزاران فلسطینی به وسیله ارتش اردن قتل عام شدند شرکت داشت و به پاس جنایاتش نشان عالی اردن را دریافت نمود.

در سال ۱۹۷۶ ضیاء الحق به وسیله بوتو به فرماندهی کل قوا در پاکستان منصوب شد و یک سال و نیم بعد در یک کودتای نظامی که به وسیله سازمان سیا طراحی شده بود، بوتو را سرنگون ساخت و یک حکومت نظامی در پاکستان برقرار نمود.

روابط حسنه او با رژیم‌های مرتجع منطقه چون عربستان سعودی و کوشش در تبدیل پاکستان به ژاندارم امپریالیسم در منطقه (نقشی که سابقاً بر عهده رژیم شاه قرار داشت) ماهیت او را عریان‌تر می‌کند.

توضیح:

مقاله "بررسی انتقادی قانون کار پیشنهادی دومین و سومین کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران (در اصفهان و مشهد)" (قسمت دوم) و نیز مقاله "از تجربه مبارزات زحمتکشان میهنمان درس بگیریم" به دلیل تراکم مطالب و کمبود جا در شماره آینده درج خواهد شد.

وزارت مسکن و شهرسازی اخیراً طرحی در مورد باز - خرید و فروش و اجاره مسکن از تصویب شورای انقلاب گذراند و آن را به اجراء درآورد. به موجب این طرح خرید و فروش کلیه خانههای مسکونی توسط دولت و دفتر معاملات مسکن (دفتر طرح استفاده از خانههای خالی پیشین) صورت میگیرد. این طرح هر چند بظاهر دست واسطهها را در معاملات ملکی کوتاه می کند ولی دست واسطههای بزرگتر را وارد عمل می کند، واسطههای چون دستگاه عریض و طویل اداری دولتی.

آنطور که از ظاهر و محتوای این طرح برمیآید، نشان می دهد که دولت نه قصد دارد و نه از عهدهاش بر میآید که مشکل مسکن زحمتکشان را حل کند. مسئولین امر در این لایحه تنها کاری که نکرده اند و به تنها مسئلهای که اشاره نکرده اند، همین مشکل مسکن زحمتکشان است. این قانون نیز به سرنوشت همان قوانینی دچار می شود که تصویب شده اما راه به جایی نبرده اند و یا سرنوشت همان قانون منع خرید و فروش زمینها، موات شهری را پیدا می کند، از ثمره آن قیمت زمین در بورس بازیهای مالیکن باز هم بیشتر و بیشتر شد یعنی اگر زمین مستقیماً به فروش نرسید ولی با هزار جور دوز و کلک بورس بازان دست به دست گردید.

طرح جدید نیز از جمله طرحهایی است که به احتمال زیاد پس از مدتی مثل همه طرحهای دیگر روی دست مسئولان امر خواهد ماند و کمترین مشکلی را حل نخواهد کرد. مطابق این طرح که هدف عمده آن، تضمین خرید و فروش و اجاره واحدهای مسکونی است، خانهها با "قیمت ۵۰٪" خریداری شده و

اجارههای سالیانه آن برای واگذاری بین ۴ الی ۷ درصد بهای خانه خواهد بود. تنها به کاربردن همین دو کلمه "قیمت روز" صحنه گذاردن بر تورم و گرانی خانه و پیروی دولت از این تورم است و این مسلم است که با

حال با افزایش هزینههای اداری به "قیمت روز" خواهیم دید که ترقی بهای خانه و اجاره بها همچنان وجود خواهد داشت و با چرخش سند مالکیت هرخانه از دستی به دست دیگر قیمت آن به سرعت بالا خواهد

در مورد مسکن این برنامه انقلابی از دو قسمت تشکیل می شود که باید همزمان طرح و اجرا شوند: قسمت اول آن برنامههای است که بطور موقت و کوتاه مدت برای کاهش بحران مسکن قابل اجراست و شامل

حمام، رختشویخانه، درمانگاه در محلات پرجمعیت از اقدامات ضروری و مبرمی است که باید برای کاهش تراکم جمعیت در خانههای کوچک و محقر زحمتکشان انجام گیرد. برای این منظور باید از زمینهای موات صادره شده توسط دولت استفاده کرده و با کمک خود مردم و شوراهای محلی این وظایف را پیش برد. در ضمن در این محلات و در این زمینها دولت باید با ساختن خانههای جدید خانوادههایی را که در بدترین شرایط مسکونی به سر می برند، به تدریج در این خانهها سکونت دهد.

۴- همه خانههای احتکار شده و خالی باید صادره و در تملک دولت قرار گیرد. خانههای احتکار شده تنها به خانههای خالی که برای کسب سود نباشد و یا خانههای سرمایه داران فراری منحصر نمی شود بلکه همه خانههای اضافی و بیش از نیاز افراد و یا خانههایی که سرمایه داران برای عیاشی خود ذخیره کرده اند، جزو خانههای احتکار شده محسوب می شوند. حتی دولت خانههای چند ده هزار متری سرمایه داران را باید به امکان عام تبدیل کند.

برنامه فوق تنهایی تواند بحران مسکن را بطور موقت کاهش دهد و در طولانی مدت لازم است که برنامه - ریزی های کلی و چندساله اقتصادی طرح و اجرا شود. در این برنامه تولید مصالح ساختمانی و تولید مسکن با هم هماهنگ شده و همراه با حل سایر معضلات اجتماعی و اقتصادی پیش خواهد رفت. به اعتقاد ما حل کامل و بنیادی مسکن جدا از شعار "استقلال، کار، مسکن، آزادی" نیست و این بدان معناست که نیل به این هدف بدون تحولات اجتماعی و سیاسی غیر ممکن خواهد بود.

سیاست های دولت و مشکل مسکن

افزایش گرانی و گسترش تورم "قیمت روز" خانههای ساخته شده و خانههایی که ساخته خواهد شد، افزایش خواهد یافت.

از سوی دیگر ماده ۱۸ آئین نامه این طرح می گوید: حداکثر بهای فروش واحدهای مسکونی که طبق مقررات خریداری و سپس فروخته می شود، برابر خواهد بود با بهای خریداری شده به اضافه کلیه هزینههای متعاقب (جمله تعمیرات ساختمان عوارض پرداختی، هزینههای ثبت و تنظیم سند، مالیات مختلفه، هزینههای اداری و مخارج نگهداری) به اضافه تا ۴ درصد بعنوان کارمزد در سال نسبت به مبالغ پرداختی توسط دفتر و با در نظر گرفتن تاریخ پرداخت تا تاریخ انجام معامله.

و در ماده ۱۹ برای خرید خانههایی که ساخته می شود سودی بین یک الی چهار درصد بیش از سود سپردههای بانکی در نظر می گیرد.

رفت. از طرف دیگر بیشتر خانههایی که خرید و فروش می شوند، خانههای متوسط و خانههای اعیانی شمال شهری هستند که آنها هم بخاطر قیمت های سنگینشان مورد استفاده زحمتکشان قرار نمی گیرند و در همان روابط شمال شهری جایجا خواهند شد.

خلاصه آنکه ارائه راه حلهایی از این قبیل یعنی فرار آشکار از ارائه راه حل های قاطع و اصولی خواهد بود به اعتقاد ما هر طرحی که به ضروریات و مشکلات جامعه پاسخ ندهد و در این مورد مشخص هر طرحی که مشکل مسکن زحمتکشان را پایه و مبنای کار خود قرار ندهد، جز طرحی بر کاغذ نخواهد ماند و دوامی نخواهد داشت و مهم تر از همه آن که هیچ دردی از کارگران و زحمتکشان کارمندان و معلمان و غیره درمان نخواهد کرد.

ما در شماره های پیش گفته ایم که حل مشکلات مردم و بخصوص مشکل مسکن نیاز به قاطعیت و برنامه ای انقلابی دارد. به اعتقاد ما

موارد زیر است:

۱- باید کلیه امور ساختمان و واگذاری مسکن در اختیار دولت قرار گیرد. دولت باید خود مالک مسکن باشد و به تدریج مالکیت دولتی در زمینه مسکن را تقویت و مالکیت خصوصی بر مسکن را محدود کند. تنها از این طریق است که دست واسطه ها کوتاه شود و اعمال سوداگرانه از بین خواهد رفت. در عین حال ما اعتقاد داریم که امر دولتی کردن معاملات مسکن به نفع زحمتکشان فقط و فقط با مشارکت مستقیم شوراهای محلی در شناسایی خانههای خالی، قیمت گذاری و تعیین اولویتها بسود زحمتکشان عملی خواهد بود و لاغیر.

۲- باید زمینهای موات شهری ملی شده و از تملک و اختیار مالکین قبلی خارج شود بدون آنکه به مالکین کوچکی که در گذشته قطعه زمینی برای خود تهیه دیده اند خسارت مالی وارد شود.

۳- ساختن اماکن عمومی از قبیل مدرسه، پارک،

زحمتکشان مربوط می شود بگذارند تا همه زحمتکشان با آگاهی هر چه بیشتر قدم های بلندی در جهت قطع وابستگی به امپریالیسم و عمق بخشیدن به مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک بردارند.

نفتگران پیشرو تبریز ۱۶ خرداد ۱۳۵۹

* در حال حاضر بعنوان اولین گام تا موقعی که لوله کشی گاز عملی شده،

مربوط به مسائل نفت را به آگاهی هم میهنان زحمتکش برسانیم و از تمامی کارگران (با در نظر گرفتن منافع آتی طبقه کارگر) و زحمتکشان می خواهیم با احساس مسئولیت در جهت بهبود سطح زندگی زحمتکشان حرکت کنند و پیگیرانه در پی کشف علل اینگونه اشکالات و رفع آنها بر آیند و مردم زحمتکش و کارگران میهنان را در جریان حیف و میل هایی که از طرف سرمایه داران وابسته انجام می گیرد و مستقیماً به زندگی

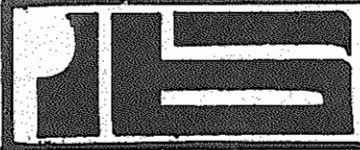
بقیه از صفحه ۷

گاز پالایشگاه تبریز...

دستگاههای اندازه گیری که هم در پالایشگاه و هم در قسمت پخش باعث اختلال در امر انتقال گاز و استفاده کامل از ظرفیت مخازن می باشد. که هر چه زودتر باید تعمیر و با اطمینان مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به موارد بالا، ما نفتگران پیشرو تبریز وظیفه خود می دانیم که حقایق

روزهای تعطیلی حتی در شرایط اضطراری، بارگیری انجام نمی گیرد و همچنین انتقال گاز مایع از پالایشگاه به پخش نیز در ساعات غیر اداری با مشکلاتی همراه می شود. برای بهره برداری صحیح از گاز مایع بارگیری باید وقفه ادامه یابد و ۲۴ ساعت باشد. خراب بودن

برای قطع دست واسطهها و پائین آوردن قیمت گاز هر چه زودتر باید کلیه شرکت های پخش گاز ملی بشود و پخش گاز توسط خود شرکت نفت در شعبه های پخش گاز ملی ایران صورت بگیرد. فراموش نشود که شرکت های پخش گاز در سال های گذشته بیشترین تلاش را برای جلوگیری از لوله کشی به منازل به کار برده اند تا بیشتر و با خیال راحت تر به غارت و چپاول مصرف کنندگان ادامه بدهند.



سرمایه داران و زمینداران بزرگ کرمان به نارضایتی در میان کشاورزان دامن می زنند

حاجی "طرخوانی" از سرمایه داران بزرگ کرمان و صاحب کارخانه قند "بردسیر" است. او و بسیاری از شرکاء سرمایه دارش در سراسر ایران که در چند سال اخیر طعم مبارزات کوبنده زحمتکشان میهن مان را به خوبی چشیده اند و اکنون نیز از رشد این مبارزات در وحشت و هراس مرگ به سر می برند، در صددند تا با عوامفریبی و ایجاد جو بدبینی و یاس شرایطی فراهم آورند تا بتوانند هر چه بیشتر به نفع سرمایه داران و زمینداران بزرگ تبلیغ کنند. آخرین اقدام حاجی "طرخوانی" در این زمینه کارشکنی در امر کشت و برداشت چغندر قند است. کارخانه قند "بردسیر" با پیمانکاران چغندر قند که از دهقانان و خرده مالکین

بازگرداندن اوضاع سابق و سرکوب مبارزات انقلابی مردم که نابودی نظام سرمایه داری وابسته و زمینداری بزرگ خواست اساسی آن است، در پیش گرفته اند.

شرط پیروزی بر این دسیسه ها، مصادره همه کارخانجات، زمین ها و اموال سرمایه داران و زمینداران بزرگ، سپردن اداره امور آنها به دست شوراهای واقعی کارگران و دهقانان است. باید تولید و توزیع را به دست خود مردم به دست شوراهای آنها سپرد و تمام نیازمندی های آنان از قبیل ماشین آلات، کمک مالی و... را تامین نمود. آنگاه دیگر نارضایتی ای وجود نخواهد داشت که عوامل امپریالیست بخواهند از آن به نفع خود سوء استفاده کنند.

سابق پردازند. طبقه سرمایه دار و زمینداران بزرگ که حاجی "طرخوانی" تنها یکی از آنهاست، از یک سو حاصل کار کشاورزان را با کارشکنی و خرابکاری عمداً به سمت نابودی می برند و از سوی دیگر فریاد برمی دارند که: "اگر رژیم سابق بود، اگر بختیار بود و... این اشکالات وجود نمی داشت." این است آن توطئه ای که اکنون سرمایه داران و زمینداران بزرگ برای

وجین زمین ها با اشکالاتی روبرو شده است. قابل تذکر است که اگر کشاورزان نتوانند زمین های خود را وجین کنند، به محصول لطمه جدی وارد خواهد شد. در ضمن هنگامی که منطقه شدیداً مورد تهاجم آفت بود کارخانه نه تنها برای دفع آن کوچکترین کمکی به کشاورزان نکرد بلکه به دستور حاجی "طرخوانی" عده ای به روستا رفتند تا با سوء استفاده از این وضعیت در میان مردم به شایعه پردازی به نفع رژیم

روستاهای اطراف "بردسیر" و "سیرجان" هستند قراردادی بسته است که براساس آن کارخانه موظف است هر ساله در سه نوبت به پیمانکاران مساعده (وام کشاورزی به عنوان پیش قسط) پرداخت کند تا آنها بتوانند با آن پول، کود، آب، بذر و وسایل وجین مورد نیاز را تامین کنند. ولی تاکنون کارخانه به دستور حاجی "طرخوانی" از دادن وام به کشاورزان خودداری نموده و در نتیجه

بقیه از صفحه ۵

باند های جنایتکار...

این راه هر زمان که پاسداران علیه نیروهای ضد انقلابی وارد جنگ شوند باید که دوشادوش آنان با قاطعیت و فداکاری نمونه وار جنگید. ما معتقدیم که باید از طریق از میان برداشتن مناسبات سرمایه داری، از طریق ملی کردن تمام ثروت سرمایه داران و زمینداران بزرگ، از طریق سپرده اداره تمام کارخانجات، مزارع، بانکها، ادارات به دست شوراهای واقعی کارگران، دهقانان، کارمندان و پرسنل انقلابی ارتش زمینه را برای حل بنیادی مشکل بیکاری، گرانی، مسکن، کمبود کالا و... فراهم آورد. بر چنین زمینه ای سرسپردگان امپریالیسم نظیر بختیار، پالیزبان، اویسی و سالار جاف دیگر مجالی برای تبلیغ نظریات ارتجاعی ضد مردمی خود نخواهد یافت. باید این واقعیت را به توده ها گفت و در راستای تحقق آن زحمتکشان را در لحظه کنونی در جهت سرکوب نظامی هر چه بی رحمانه تر باندهای وابسته سیخ و متشکل نمود. سازمان ما دقیقاً در تعقیب سیاست فوق، به هیئت حاکمه هشدار می دهد

آنها ایجاد شود. در مقابل چنین وضعیتی برای نمونه شیخ "ام القوین" مهاجرین را از نظر امکانات رفاهی تامین نموده و برای هر یک شغلی در نظر گرفته است. چنین است که زحمتکشان منطقه خانه و کاشانه خود را ترک می گویند تا در سرزمین های دیگری لقمه ای نان به دست آورند. کدخدای روستای "گوری" در رابطه با همین موضوع می گفت: "من به فرمانداری گزارش داده ام که مردم می روند و آنها به من گفته اند که باید سعی کنی جلوی رفتن آنها را بگیری اما چه می شود کرد. اینجا هیچ چیز نیست. مردم تا کی طاقت می آورند؟ بخصوص که علاوه بر گرانی، اجناس هم به سختی پیدا می شود. ممکن است همین چند نفر هم که مانده اند بروند."

زحمتکشان روستاهای "قشم" و "بندرلنگه" از فرط فقر و گرسنگی به شیخ نشین های خلیج فارس پناه می برند

یکی از مهمترین مسائل استان ساحلی، بخصوص پس از دوران قیام، کوچ دسته جمعی اهالی روستاهای تابع "قشم" و "بندرلنگه" به شیخ نشین ها می باشد. اگر مسئولین مملکتی همچنان نسبت به وضعیت اقتصادی زحمتکشان این مناطق بی تفاوت بمانند، بدون تردید در آینده شاهد آوارگی تعداد هر چه بیشتری از هم میهنان ساحل نشین خود خواهیم بود. مهاجرت یکی از پدیده های رایج در این منطقه است. هرگاه که زحمتکشان مورد ستم سازمان های حکومتی (ژاندارمری و...) قرار گرفته اند، کوچ دسته جمعی به عنوان یکی از شیوه های مرسوم مبارزه خود را نشان داده است. کوچ دسته جمعی از جزیره "هنگام" به "راس الخیمه" و یا تهدید اهالی جزیره "لارک" در مورد تخلیه

شهر در برابر ظلم و ستم ژاندارمری نمونه هایی از این شیوه مبارزه در دوران قبل از قیام بهمین ماه است. پس از قیام نیز ما شاهد این مهاجرت ها بوده ایم. از جمله اخیراً شانزده خانوار از زحمتکشان روستای "گوری" واقع در ۱۱۴ کیلومتری مرکز جزیره قشم، پس از فروش داروندار خود به شیخ نشین های مجاور کوچ کرده اند. این ۱۶ خانوار از هرگونه منبع در آمدی برای تامین معاش خود و نیز از ابتدائی ترین امکانات رفاهی از قبیل آب، برق، بهداشت و... محروم بودند. لازم به تذکر است که تنها منبع در آمد زحمتکشان منطقه یعنی ورود اجناس خارجی اخیراً بر اثر کنترل ناوچه ها و پاسداران قطع شده است. بدون آنکه کار و منبع در آمد دیگری برای

شهر در برابر ظلم و ستم ژاندارمری نمونه هایی از این شیوه مبارزه در دوران قبل از قیام بهمین ماه است. پس از قیام نیز ما شاهد این مهاجرت ها بوده ایم. از جمله اخیراً شانزده خانوار از زحمتکشان روستای "گوری" واقع در ۱۱۴ کیلومتری مرکز جزیره قشم، پس از فروش داروندار خود به شیخ نشین های مجاور کوچ کرده اند. این ۱۶ خانوار از هرگونه منبع در آمدی برای تامین معاش خود و نیز از ابتدائی ترین امکانات رفاهی از قبیل آب، برق، بهداشت و... محروم بودند. لازم به تذکر است که تنها منبع در آمد زحمتکشان منطقه یعنی ورود اجناس خارجی اخیراً بر اثر کنترل ناوچه ها و پاسداران قطع شده است. بدون آنکه کار و منبع در آمد دیگری برای

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

کارفرما برای تحکیم پایه خود در کارخانه علیه شورا توطئه چینی می کند

بیش از دو ماه است که کارگران مبارز شوقاژ کار برای گرفتن خواست‌هایشان (اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و ...) مبارزه می‌کنند و هر روز که می‌گذرد توطئه‌های کارفرما (حاجی بابا) و عواملش نیز بر علیه کارگران بیشتر و بیشتر می‌شود. ابتدا کارفرما کوشید از درون کارخانه ، افرادی نظیر باندهای سیاه را برای از هم پاشاندن شورا و اتحاد کارگران تشکیل دهد ، که در اثر هشیاری و اتحاد کارگران این توطئه به شکست انجامید و شورا برای خنثی کردن توطئه‌های آتی کارفرما و تضعیف پایگاه او در کارخانه ، خواستار اجرای پاکسازی انقلابی و اخراج ۳ تن از عوامل کارفرما شد. کارگران چنین استدلال می‌کردند که :

در کارخانه عواملی هستند که نمی‌گذارند کارخانه بگردد، این عناصر در کارخانه اخلال می‌کنند، بین کارگران دودستگی می‌اندازند

دستگاه‌ها را عمداً مختل می‌کنند، اینها همه‌شان دست‌نشانندگان سرمایه‌دارند و باید تصفیه و اخراج شوند. طرح پاکسازی یعنی این که عوامل ضد انقلاب باید دستشان از سر کارگران و کارخانه کوتاه شود. ولی کارفرما باز بیکار ننشسته و با مراجعه به کمیته و وزارت کار و دادستانی و جلب حمایت آنان، فشارش را بر کارگران و شورا بیشتر کرد. تا این که در حدود سه هفته پیش از طرف دادستانی حکم احضار نماینده کارگران (دبیر شورا) صادر شد و دادستانی استار بازگشت عناصر تصفیه شده و اخراجی بر سر کار شد و دخالت شورا در امور کارخانه را " غیر قابل قبول " دانست. تحت فشارهای همه جانبه دستگاه‌های دولتی و عوامل کارفرما، سرانجام دبیر شورا و چند تن دیگر از نمایندگان وادار به استعفا شدند. روز ۲۵ تیرماه ۵۹ کارگران تا ساعت ۱۱ صبح دست به کار

شورای کارخانه کفش وین تنها به اتکای حمایت یکپارچه کارگران قادر است اقدامات انقلابی اش را تداوم بخشد

شورای کارخانه کفش وین در نیمه اول تیرماه با هشیاری پیگیرانه‌اش موفق شد مقداری از اموال کارخانه (دستگاه و قطعات) را که توسط کارفرمای سابق کارخانه (حاج مصطفی) در یکی از باغهای پنهان شده بود، کشف نموده و به نفع کارخانه ضبط نماید. بدین ترتیب اقدام ضد انقلابی و ضد کارگری کارفرما که در جهت به زانو درآوردن شورا از طریق اختلال در امر تولید صورت گرفته بود با اقدام انقلابی و هوشیارانه شورا خنثی گردید. شورا طی دو هفته اخیر دست به یک اقدام مثبت و موثر دیگر زد و آن پاکسازی انقلابی ۱۱ تن از عناصر سازشکار بود که بارها و بارها خوشخدمتی‌شان در جهت تامین منافع کارفرما آشکار شده بود.

آنچه که در این اقدامات مترقیانه و مثبت شورا قابل انتقاد است ، این است که شورا این اقدامات را بدون آنکه توده کارگران را در جریان اجرای آن قرار دهد انجام داده است و این یکی از نقاط ضعف اساسی شورای کنونی است. شورا باید این را به خوبی درک کند که تنها با حمایت فعالانه و یکپارچه کارگران است که می‌تواند با توطئه‌های ضد کارگری و ضد شورایی سرمایه‌داران و عوامل آنها مقابله کرده و آن را به نحوی انقلابی و موثر خنثی نماید. تنها شرکت و دخالت مستقیم و آگاهانه کارگران در مبارزات اقتصادی و سیاسی‌شان است که پیگیری و قاطعیت انقلابی در پیشبرد این مبارزات و تحقق پیروزمندانه آن را تضمین می‌کند.

بقیه از صفحه ۱۵

زحمتکشان روستاهای ...

یکی دیگر از زحمتکشان منطقه در همین مورد می‌گفت :

" مردم خیلی دلتنگ و ناراحت هستند و هیچ کاری از دستشان بر نمی‌آید... همه مردم به علت فشار زندگی و تامین مایحتاج به خارج رفته‌اند و فقط کسانی در شهر مانده‌اند که به علت پیروی نمی‌توانند بروند. ما هم می‌خواستیم برای خود خانه درست کنیم ولی حالا معلوم نیست. ممکن است فردا هیچکس توی شهر نباشد و همه بروند... "

همین وضعیت در " بندر لنگه " نیز وجود دارد. در آنجا نیز زحمتکشان بسیاری از روستاها ("مربع" ، "چارک" ، "کلات مغوید" ، "رستمی" ، "رستاق") و حتی خود بندر لنگه در پی نان بخور و نمیر آواره شیخ نشین‌ها شده‌اند. روستاهای فوق اکنون یا کاملاً متروکند و نیست.

یا بیش از چند خانوار در آنها زندگی نمی‌کنند. به راستی چرا زحمتکشان این مناطق به قاچاق اجناس روی آورده‌اند که حال با قطع آن ناچار به مهاجرت به کشورهای دیگر می‌شوند؟ آیا اگر کشاورزی در منطقه احیا شود و کشاورزان مورد حمایت دولت قرار گیرند، اگر با بیکاری دز منطقه مبارزه شود اگر امکانات ماهیگیری در اختیار صیادان قرار گیرد، اگر صنعت صید مروارید که جرفه سنتی مردم این ناحیه است ، دوباره زنده شود، آیا باز هم مردم به قاچاق اجناس روی می‌آورند؟ آیا باز هم جلوگیری از ورود این اجناس باعث خواهد شد که هر روز دهها تن از هم‌میهمان ما از فرط فقر و گرسنگی به شیخ‌نشین‌های خلیج پناه ببرند؟ ما به تمام سئوالات فوق پاسخ منفی می‌دهیم زیرا می‌دانیم که هیچ انسان زحمتکشی خواستار ترک وطن و آوارگی نیست.

حمایت از شورا در برابر شعار «شورای شورا»

بطور یکپارچه از شورای کارخانه‌شان (علیرغم همه نارسائی‌ها و نواقص آن) در برابر اقدامات غیر مسئولانه وزارت صنایع و معادن پشتیبانی کرده و اینگونه سیاست‌های ضد کارگری و ضد شورایی را شدیداً محکوم کردند. وزارت صنایع و معادن چند بار

به دنبال اعلام " شورا بی شورا " توسط بنی‌صدر ، وزارت صنایع و معادن از طریق هیئت مدیره انتصابی‌اش در کارخانه ایران یاسا، شورای کارخانه را تحت فشار قرار داده و رسماً خواستار عدم دهالت شورا در امور کارخانه شد. کارگران مبارز ایران یاسا

بقیه از صفحه ۲۰

بمناسبت هشتاد و پنجمین سال ...

باشم ، امیدوارم که مرگ به سراغم بیاید. پنج سال بعد زمانی که در اوج فعالیت‌های انقلابی خود بود و تدوین تاریخ انترناسیونال اول را در برنامه کار خود داشت دچار بیماری سختی شد و بالاخره در ۵ اوت ۱۸۹۵ از پای

مارکسیسم در شرایط مشخص هر کشور، جنبش کمونیستی را در آن کشورها تقویت می‌کرد و به راستی که شایسته نام رهبر پرولتاریای جهان بود. انگلس یک بار در سن هفتاد سالگی نوشت : " هنگامی که دیگر من ارزشی برای مبارزه نداشته

در آمد. بنا بر وصیت‌نامه‌اش جسد او سوزانیده شد و خاکسترش به دریا سپرده شد.

بنای یادبود انگلس سهم او در غنای گنجینه مارکسیسم و آثار اوست که منبع بی‌کران برای مبارزه انقلابی میلیون‌ها کارگر سراسر جهان گردید. پیروزی انقلاب کبیر اکتبر و انقلاب سوسیالیستی در بسیاری کشورهای جهان درستی و صحت این اندیشه را به اثبات رسانیده است.

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

بشتاد مبارزات ضد آمد بالست. دمک اتک خلقاء، ادا ان.

قسمتی از

بیانیه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)



مازندران

"درباره انشعاب اقلیت"

می گوئیم صاحبان چنین بینشی محکوم به پراکنده بودن و پراکنده ساختن دائمی هستند.

۴- با توجه به ماهیت ایدئولوژیک رفقای اقلیت که بازتاب مواضع طبقاتی آنهاست، چپ روی و ماجراجویی آنها در هر زمینه ای اجتناب ناپذیر است. این خصوصیات تاکنون خود را در تحلیل آنها از حاکمیت سیاسی ایران، موضع گیری در برابر صلح کردستان، برخوردشان با بینش گذشته سازمان، انشعاب از سازمان و... نشان داده است.

۵- اکنون جریانها و محافل گوناگون از جمله در درون حاکمیت با سوء استفاده از مشکلات ما و نیز انشعاب به خیال خویش در بی اعتبار کردن کمونیستها می کوشند. ما قاطعانه اعلام می کنیم که کمونیستها هرگز از اصلاح دائمی نظرات خویش بر مبنای ضروریات ناشی از مبارزات طبقه کارگر و توده های زحمتکش و تصفیه دائمی صفوف خویش از جریان های غیر کارگری لحظه ای به خود بیم راه نمی دهند. آنها هرگز از توضیح علل و ریشه های مشکلات و اشتباهات خویش به طبقه کارگر و توده ها خسته نخواهند شد. کمونیستها این توضیحات را آموزش و تربیت سیاسی طبقه کارگر و توده ها می دانند.

۶- ما استفاده فرصت طلبانه از این انشعاب را توسط جریان های مدعی مارکسیسم کوششی در جهت تضعیف و پراکندگی جنبش کمونیستی ایران دانسته، عواقب منفی اینگونه برخوردهای غیر مسئولانه را مستقیماً متوجه مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران می دانیم و قاطعانه در جهت افشا و طرد این جریانات می کوشیم. در عین حال ما هرگونه برخورد و کوشش سازنده و اصولی جریان های انقلابی م - ل و مترقی را گام های ارزنده ای در جهت ایجاد زمینه های وحدت می دانیم.

کارگران آگاه و مبارز!

هواداران رزمنده و انقلابی!

هم اکنون دشمنان طبقه کارگر و کمونیستها با پخش شایعات گوناگون با تکیه بر مسئله انشعاب در سازمان و

اکنون بیش از یک ماه است که اقلیتی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با انتشار نشریه "کار" جداگانه، عملاً انشعاب خود را اعلام کرده است. وظیفه خود می دانیم که نظرات و مواضع خود را درباره این انشعاب اعلام داریم:

۱- ما بر سراسری ترین اصول ایدئولوژیک با اقلیت سازمانی اختلاف نظر داریم و تلاش آنها را که سعی دارند اختلافات ما را به عرصه سیاست کشانده و به آن محدود نمایند، بیهوده دانسته و این تلاش را تظاهر دیگری از انحرافات ایدئولوژیک آنها می دانیم.

۲- ما شیوه های را که رفقای اقلیت برای انشعاب اجتناب ناپذیرشان برگزیده اند، شیوه های غیر اصولی و سازمان شکنانه دانسته و آن را محکوم می کنیم. آنها با اتخاذ این شیوه غیر کمونیستی، بیش از پیش ماهیت طبقاتی و نتیجتاً ماهیت ایدئولوژیک غیر پرولتری خود را نشان داده اند. ما نظر رفقای شاخه گیلان - مازان را تکرار می کنیم که رفقای اقلیت "فراکسیون خود را نه بر مبنای نظرات خویش بلکه نظرات خویش را بر مبنای فراکسیون خود سازمان داده اند" به اعتقاد ما انقلابیون کمونیست آنها که به ایدئولوژی ظفرنمون طبقه کارگر یعنی مارکسیسم - لنینیسم مجهزند، برای پیشبرد نظرات ایدئولوژیک - سیاسی برحق خود هرگز دست به شایعه پراکنی، دروغ پردازی، هوچیگری و شیوه هایی که با اصول اخلاقی شان بیگانه است نخواهند زد و ما بر این اساس اقدامات غیر اخلاقی رفقای "اقلیت" را در برخورد با اکثریت سازمان محکوم می کنیم.

۳- ما بینش رفقای اقلیت را اساساً انشعاب طلبانه و وحدت شکنانه می دانیم. آوانتوریسم ذاتی بینش آنها و معیارهای حزب بورژوازی شان در امر وحدت - وحدت نه بر اساس ایدئولوژی بلکه عمدتاً در حوزه سیاست و تشکیلات - عواملی هستند که آنها را از درک مفهوم پرولتری وحدت عاجز و ناتوان می کند. هرگونه سمت گیری به سوی وحدت بر اساس منافع طبقه کارگر و بر اساس مواضع روشن ایدئولوژیک، وحدت شکننده این جریانات را درهم می شکند. از این روست که قاطعانه

قسمتی از اطلاعیه

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

- خراسان

تبلیغات که دقیقاً ناشی از ضعف رفقا در برابر تکوین چبری تاریخ به شیوه های بورژوازی بر علیه سازمان عملی می شود، پیراهن عثمان شده و حتی تبلیغات صدا و سیما جمهوری اسلامی بیش از پیش بر علیه فدائیان بالا گرفته و ساعتها برای بدبین کردن توده های مردم نسبت به کمونیستها به تبلیغات ضد فدائی می پردازند.

بینش حاکم بر "اقلیت" چیز تازه ای نیست. این همان بینشی است که اگر چه در حرف دشمن سرسخت اپورتونیسم راست می باشد ولی در صحنه سیاست و عمل با دست زدن به فعالیت چپ روانه خود که جز فرار توده ها و عدم پیوند آنها با پیشرو را به دنبال ندارد، زمینه را برای رشد رفرمیسم "توده های" بیش از پیش باز می گذارد.

این بینش از آنجائی که از واقعیات می گریزد و ریشه در "آوانتوریسم" دارد، اگر با آن مبارزه اصولی و جدی نشود می تواند در شرایط پیچیده کنونی حاکم بر میهن ما بزرگترین لطمات را بر جنبش کمونیستی ایران و بالطبع بر جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک ایران وارد سازد. بر همین اساس ما وظیفه همه رفقا می دانیم که در برخورد با این بینش که باعث رشد اپورتونیسم

رشد سریع مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های میهن ما و سایش های عظیم طبقاتی یکساله اخیر، تحولات شگرفی را در جنبش کمونیستی - کارگری ایران و در راس آن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به وجود آورده است. این تحولات عظیم با دستاوردهای سرشار تجربی و تئوریک خود، اپورتونیسم راست و چپ را که محصول دوران رکود جنبش کارگری و... می باشد واداشته است برای جلوگیری از زوال خود فدائیان خلق را زیر شدیدترین ضربات خود قرار دهند.

انشعاب انحلال طلبانه "اقلیت" که در پوشش دفاع از "پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک" و جلوگیری از "برخورد با گذشته" و "بازگشت به اصول" در سازمان انجام گرفت، بهترین فرصت را برای دشمنان طبقه کارگر فراهم کرده است.

این رفقا همانطوری که درک درستی از رابطه "عین" و "ذهن"، "ماده" و "ایده" ندارند و "پیشرو" را جای توده می گذارند. می کوشند چنین وانمود کنند که گویا تحولات سازمانی که محصول تلاش توده های خویش در کلیت خود می باشد فقط بر اثر نفوذ "چند نفر ایدئوتیست در رهبری" عملی گشته است. اینگونه

ضربات ناشی از آن، سعی در انحراف افکار و تضعیف روحیه رفقای هوادار و خصوصاً کارگران رزمنده و پیشرو دارند. رفقا باید از رهبر کبیر پرولتاریا بیاموزند که: "در هر حزب توده ای چنین عللی (علل بالقوه انشعاب) همیشه وجود داشته و همیشه عود خواهند کرد" و این علل چیزی جز انعکاس مبارزه طبقاتی جامعه در درون هر حزب و سازمان سیاسی نیست. مبارزه ایدئولوژیک در درون سازمان های سیاسی طبقه کارگر به عنوان وجهی از مبارزه طبقاتی، همیشه ستیز میان اندیشه پرولتری و در پیروسه رشد خود بعنوان عامل بازدارنده مبارزات طبقه کارگر خود را می نمایند، در تقابل آشتی ناپذیر با ایدئولوژی ظفرنمون پرولتاریا قرار گرفته و حاملین آن چاره ای جز جدائی نخواهند داشت.

انگلس می گوید: "وحدت تا زمانی که مقدور است عالی است، اما چیزهایی هستند که مافوق وحدت اند" و درست از همین جاست که ما انشعاب اقلیت را علیرغم غریزه وحدت طلبی کارگران و رفقای هوادار، گامی مثبت در جهت زدودن پیرایه های غیرمارکسیستی از درون سازمان و بهبود کیفیت مبارزاتی آن میدانیم. ما اکنون آبدیده تر، متحدتر و مصمم تر از پیش با تجربه اندوزی از ده سال مبارزه، به ویژه با اتکا بر مبارزات متحول طبقه کارگر و توده ها و به امید درس - آموزی بیش از پیش از این مبارزات و تصحیح و تکامل هرچه بیشتر نظارت خود همراه و همگام با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) به پیکار خویش ادامه می دهیم.

بکوشیم تا با تکیه بر رهنمود لنین "کارگران باید یاد بگیرند که هر علت بالقوه انشعاب را در نظر داشته باشند" از طریق شناختن هرچه دقیق تر ریشه های ایدئولوژیک - طبقاتی انشعاب اقلیت و شناساندن آن به طبقه کارگر و توده ها، دستاوردهای ارزنده و شایسته تقدیم جنبش کمونیستی بنمائیم.

راست می گردد تمامی توان ایدئولوژیک سیاسی خود را به کار گیرند و با متانت و شکیبائی کمونیستی صرفاً در حوزه ایدئولوژیک به دفاع از مواضع سازمان و حقانیت تاریخی آن برخیزند."

ما وظیفه خود می دانیم به همه نیروهای آگاه و انقلابی توضیح دهیم که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با این بینش اختلاف اصولی دارد. اختلاف سازمان با "اقلیت" ریشه در کلی ترین و اساسی ترین اصول مارکسیسم - لنینیسم دارد.

امروز فدائیان خلق جریان روبه گسترشی هستند که با درس آموزی از تجربیات غنی و پر بار دوران پر افتخار مبارزاتی خود در جریان یکی از توفنده ترین مبارزات طبقاتی تاریخ که در میهن ما در جریان است، در روشنائی اندیشه های تابناک مارکسیسم - لنینیسم متحد و یکپارچه و با عزمی آهنین به پیش می نازند و در این راه بدون دادن کمترین بهائی به حملات زهرآگین اپورتونیسم چپ و راست به هیچ نیروئی جز نیروی لایزال توده های تحت ستم تکیه نمی کنند. فدائیان خلق از کوران های سخت و دشوار مبارزه سر بر آورده اند، از دهلیز خون گذشته اند و فراز و فرودها را دیده اند و طعم شکست و پیروزی های فراوان را چشیده اند. فدائیان خلق که اینک با کوله باری از آزمون های سترگ پیکار خونین، در وحدت با جنبش کارگران و زحمتکشان راه پیروزی های نوینی را در پیش گرفته اند، خواهند توانست در برابر تمام حملات گرایش های انحرافی سرافراز بیرون آیند.

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - خراسان

۶ تیرماه ۱۳۵۹

ردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



خوانین بختیاری علیه...

بقیه از صفحه ۲۰

عشایر زحمتکش در راه اتحاد عمل نیروهای مردمی و ضد امپریالیست مجدانه تلاش کنند.

کیهان

حمله شدید سپاه پاسداران

به دادگاه انقلاب شیراز

حامیان این دادگاه که برای اعدام قاتلین شهدای شیراز تب مرگ میکنند و قتل از افشای اسناد خانهای آمریکای شديناز آنها حمایت میکنند می پرسیم چه شد کدر سوک بهتر عزیزان این ملت و نورچشمیان امام حتی کوچکترین نازاحتی بخود راه نندیدید؟ در قسمی دیگر از این اطلاعیه اضافه شده دادگاه انقلاب اسلامی شیراز در این مدت برای دستگیری مجرمین حادثه فیروزآباد چه کرده است و اصولاً کارشان در دادگاه چه بوده است! آیا جز این نیست که در این مدت فقط مبارزه سرمخت با کشاورزان زحمتکش داشته و حمایتی دروغ از مزدوران و خانها نموده است و دادگاه انقلاب را به بینادگاه ضد انقلاب و ضد اسلام تبدیل نموده است؟ اسامی پاسداران شهید وقایع فیروزآباد باین شرح است: رحیم رضائی زاده - کرامت امیر تیموری، اسفندیاری، حاجی بروش میرزائی و رمضان سپاهی.

شیراز - خبرنگار کیهان - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شیراز همزمان با برگزاری چهارمین روز شهادت پنج تن از پاسداران شیراز و فیروز آباد در وقایع اخیر منطقه، با انتشار اطلاعیه ای دادگاه انقلاب اسلامی شیراز را مورد حمله شدید قرار داد و آنرا حامی فئودالها و خانها معرفی کرد. هر بخشی از اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شیراز آمده است:

پسه شمالی - در چهارمین روز شهادت پنج تن از بهترین فرزندانمان را که در حادثه فیروزآباد توسط ایادی خانهای آمریکائی به شهادت رسیدند، در مسجد النبی شیراز مجلسی برپا می کنیم و یافشان را گرامی می داریم و این در حالی است که دادگاه انقلاب اسلامی شیراز برای اعدام مزدوران شاه و ساواکهای گذشته اشک تمساح میریزد و فریاد «والله» سر میدهد. اما برای انتقام خون این عزیزان کوچکترین اقدامی نکردند.

فئودال توسط پاسداران دستگیر شدند

دو نفر از نمایندگان روستائیان نیز شرکت داشتند. عده ای از فئودال ها با تصمیمات این هیات مخالفت کردند که در نتیجه باعث زد و خورد و ضرب و جرح روستائیان شد. این گزارش حاکمیت بدنیال این زد و خورد بلافاصله به پاسداران وارد عمل شد و چهار تن از این فئودال ها را به اسامی عبدالرزاق، سید کریم نعمتی، ژاد فئودال سرسپرده به طاغوت، شیخ قلیم و شیخ شهریار دستگیر کردند.

اهواز - چهار فئودال بوسیله پاسداران انقلاب اسلامی اهواز دستگیر شدند. گزارش ستاد خبری سپاه پاسداران در اهواز بدنبال تصمیمات هیات واگذاری زمین مبنی بر تقسیم اراضی تحت تصرف فئودال ها بین روستائیان دو روستای حرچه و سلطانیه از نواحی حمیدیه اهواز، هیاتهای متشکل از هفت نفر از نمایندگان ادارات و ارگان های مسئول باین روستاها عزیمت و در نشست که

قاجاقچیان بزرگ و ... همه جزو نیروهای انقلابی می باشند! ما ضمن اعلام تنفر خود از اعدام مبارز انقلابی "تقی شهرام" و دیگر انقلابیون که در گوشه و کنار ایران به جوخه اعدام سپرده شده اند چنین جنایاتی را قویا محکوم می سازیم. رشد و گسترش اعدام های پیاپی نیروهای انقلابی که اکنون ابعاد

قاجاقچیان بزرگ و ... همه جزو نیروهای انقلابی می باشند! ما ضمن اعلام تنفر خود از اعدام مبارز انقلابی "تقی شهرام" و دیگر انقلابیون که در گوشه و کنار ایران به جوخه اعدام سپرده شده اند چنین جنایاتی را قویا محکوم می سازیم. رشد و گسترش اعدام های پیاپی نیروهای انقلابی که اکنون ابعاد



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

(شاخه خوزستان)

"درباره اقلیت"

(اکثریت)

لنینیستی توسط سازمان در مبارزه با جریانات انحرافی چپ و راست به شدت نگران است. چرا که "حزب توده" به خوبی می داند سازمان ما با تعمیق بردن هر چه بیشتر درک اصولی خود از مارکسیسم - لنینیسم، با بهره جویی از تجارب جنبش جهانی کمونیستی و برپایه پیوند با جنبش طبقه کارگر ایران و به پشتوانه اعتبار حاصله از سالها مقاومت (و نه فرار) و پیکار خونین و قهرمانانه با یکی از سفاکترین رژیم های دیکتاتوری، از ظرفیت و توانائی کاملی در جهت انفراد و طرد اپورتونیسم راست و فرتوت "حزب توده" برخوردار است. تنها با توجه به واقعیات فوق است که در می یابیم چرا "حزب توده" شیدانه می کوشد تا نظریات اصولی و مبتنی بر مارکسیسم - لنینیسم سازمان را مشابه نظرات غیر اصولی و به غایت انحرافی و راست روانه خود جلوه دهد و بدین طریق "کسب" اعتبار کند.

مستحکم باد وحدت رزمنده صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - نبود باد توطئه نفاق افکنان و فرصت طلبان در اهتزاز باد پرچم پیکارجوی ضد امپریالیستی طبقه کارگر ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه خوزستان
۱۶ تیرماه ۱۳۵۹

انشاب "اقلیت" زمینه مساعدی برای سوء استفاده اپورتونیسم چپ و راست فراهم آورده تا از هر طرف سازمان ما را آماج تیرهای زهرآگین تهمت و افترا، شایعات و دروغ پردازی های مفتضحانه قرار دهند و این در شرایطی است که هر ضربه بر پیکر سازمان بی هیچ تردید ضربی بر پیکر جنبش کمونیستی ایران و کل جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های میهن خواهد بود. اپورتونیسم چپ که از انشباب "اقلیت" کودگانه به وجد آمده از زبان "سازمان پیکار" "سرت" و "شادمانی" تمامی نیروهای راستین کمونیستی!! را از حرکت "ماجراجویانه" "اقلیت" اعلام وبه "اقلیت"، "تبریک" می گوید.

تقی شهرام، اجازه نداد دادگاه از محاکمه او...

آن افکاری را که باعث بروز روش های نادرست و تصفیه های خونین گردیده، مورد بررسی قرار دهد و هر بار که اولب به سخن می گوید از او خواسته می شد که از خود تنها به مثابه یک "قاتل جنایی" دفاع کند! اما همین دادگاه بیشترین تلاش را از سوی خود به کار برد که در طول جلسات محاکمه، "جریانی" را که در سال های دهه ۵۰ سرسختانه علیه رژیم شاه جنگیده بود، به محاکمه کشاند و از آن طریق به زعم خود سازمان مجاهدین خلق ایران و انقلابیون کمونیست را محکوم کند. راستی روسای دادگاه چگونه این امر را توجیه می کنند که شهرام تنها اجازه داشت در چارچوب یک "اتهام جنایی" از خود دفاع کند، اما این آقایان سرتاسر جلسات را به "محاکمه" نیروهای انقلابی تبدیل ساختند. شهرام با آگاهی از مقاصد دادگاه از اول چنان رفتار کرد که

بقیه از صفحه ۱۲

دادگاه نتوانست محاکمه او را به وسیله ای برای تبلیغ علیه نیروهای انقلابی تبدیل کند. به اعتقاد ما سیاست دادگاه در مورد "تقی شهرام" ادامه همان سیاستی است که می کوشد دوستان و دشمنان خلق را بر اساس اعتقادات مسلکی و عقیدتی آنها تعیین کند. ته بر اساس چگونگی موضع آنها نسبت به امپریالیسم جهانی. این سیاست در طول ۱۷ ماهه پس از قیام بهمن ماه، ضربات مهلکی بر مبارزات انقلابی مردم وارد آورده و بیشترین استفاده را نصیب امپریالیسم امریکا ساخته است و از همین جهت است که امپریالیسم جهانی نیز "پیگیرانه" در صدد دامن زدن به چنین سیاستی است. اعدام "تقی شهرام" مبارز پر سابقه دوران دیکتاتوری سپاه شاه، به همراه مستی از عوامل خائن کودتاگران خائن تا

بمناسبت هشتاد و پنجمین سال مرگ فردریک انگلس

«انگلس آموزگار کارگران سراسر جهان»

۱۴ مرداد (۵ اوت)
فردریک انگلس پس از یک عمر مبارزه انقلابی و کوشش پایان ناپذیر در راه پایه‌ریزی ایدئولوژی طبقه کارگر در سن هفتاد و پنج سالگی درگذشت امروز پس از ۸۵ سال که از مرگ او می‌گذرد نام و آثارش همچنان می‌درخشد و میلیون‌ها رزمنده کمونیست و کارگر انقلابی در سراسر جهان از اندیشه و افکار او در مبارزه خود الهام می‌گیرند.

انگلس دوست و هم رزم مارکس سراسر عمر خود را به همراه وی وقف پیشبرد مبارزه طبقه کارگر و تدوین اصول مارکسیسم، اندیشه عملی قرن ما و راهگشایی پیروزی طبقه کارگر کرد.

هر چند که به قول انگلس سهم عمده را در ساختمان تئوری مارکسیسم، مارکس برعهده داشت اما نقش او در زمینه تکمیل و گسترش مارکسیسم، بی شک غیر قابل انکار است. انگلس متواضعانه خود را "نوازنده دوم" می‌دانست و معتقد بود که "آنچه سهم من در کار بود، مارکس به راحتی می‌توانست خود بدون کمک من انجام دهد، به استثنای شاید دو یا سه رشته خاص علم. اما آنچه را که مارکس انجام داد من هرگز نمی‌توانستم انجام دهم... مارکس از همه ما در محلی رفیع‌تر ایستاده بود، مارکس نابغه بود، ما حداکثر افراد با استعدادی بودیم. بدون او تئوری ما از آنچه که اکنون هست بسیار دور بود. این تئوری به حق به نام او نامیده شده است."

با اینهمه آثار انگلس در غنای گنجینه مارکسیسم از سهم به سزایی برخوردارند: وضع طبقه‌کارگر در انگلستان (که انگلس در آن برای نخستین بار با مطالعه و بررسی وضعیت طبقه کارگر نشان داد که طبقه کارگر فقط طبقه رنجبر و ستمکش نیست بلکه رسالت آزاد کردن خود را از استثمار و رهائی‌کل بشریت از هرگونه استثمار و



ستمی را برعهده دارد)، اصول کمونیسم، جنگ دهقانی در آلمان، آنتی دورینگ، دیالکتیک طبیعت تکمیل جلد دوم و سوم کاپیتال از روی یادداشت‌های مارکس و صدها مقاله و رساله دیگر در شمار چنین آثاری است. آثار او در زمینه فلسفه، اقتصاد سیاسی، سوسیالیسم علمی، تئوری نظامی و زبان‌شناسی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. لنین با توجه به این مسئله می‌گوید:
" غیر ممکن است بدون آنکه تمام کارهای انگلس را به حساب آوریم، بتوان مارکسیسم را فهمید و یا آن را بطور کامل توضیح داد."
انگلس در اواخر عمر خود با درایت و تیزبینی عمیقی تکامل سرمایه‌داری رقابت آزاد به سرمایه‌داری انحصاری را پیش‌بینی نمود. لنین می‌گوید انگلس موفق شد خمیره آخرین مرحله تکاملی سرمایه‌داری را کشف نماید و نشان دهد که " سرمایه‌داری به سرمایه‌داری انحصاری تبدیل می‌شود". لنین این کشف انگلس را حاوی اهمیت عظیمی می‌شناخت و با تکامل این ایده انگلس، مارکسیسم را تکامل داده و خصوصیات عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری را کشف نمود.
رفیق انگلس در طول عمر پربارش بطور خستگی ناپذیری در کنار مارکس فعالیت و مبارزه کرد. او برای دست یابی به ذخائر متنوع دانش ملل گوناگون موفق شد بیست زبان مختلف را فرا گیرد. پس از مرگ مارکس زمانی که بار تمام کارها به تنهایی بر دوش او افتاده بود آثار کمونیست‌های اکثر کشورها را می‌خواند، به آنها رهنمود می‌داد، برای نشریاتشان به زبان محلی مقاله تهیه می‌کرد. او از طریق به کار گرفتن فرمول‌های

در صفحه ۱۶

برای ایجاد محیط رعب و وحشت محافل وابسته به امپریالیسم امریکا مردم را کشتار می‌کنند

مقارن ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه اول مرداد ماه ۱۳۵۹ بمب قدرتمندی در پاساژ کمپانی لاله‌زار منفجر شد که ۶ کشته و ۸۰ تن مجروح بجا گذاشت.
حادثه لاله‌زار و کشتار بی‌رحمانه مردم توسط ایادی امپریالیسم و احتمالاً توسط شبکه‌های وابسته به بختیار-اویسی برای ایجاد محیط رعب و وحشت و دامن زدن به هرج و مرج و گسترش اقدامات فاشیستی صورت می‌گیرد.
این کشتار ماهیت ددمنشانه و ضد مردمی باند بختیار-اویسی و دیگر دستجات وابسته به محافل امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا را بازگو می‌کند.
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران " اکثریت " ضمن اعلام انزجار عمیق خود از همه نیروهای انقلابی ترقیخواه و ضد امپریالیست می‌خواهد که با هوشیاری انقلابی برای درهم شکستن شبکه ایادی امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن پیگیرانه تلاش کنند.

خوانین بختیاری علیه انقلاب وسیعاً سازمان می‌یابند

● دادگاه انقلاب اسلامی شیراز از خوانین و فتوادل‌ها دفاع می‌کند

برای گسترش قدرت خوانین و فتوادل‌ها میدل شده است. بطوری که در چهلمین روز شهادت پنج تن از پاسداران شیراز و فیروزآباد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شیراز طی اطلاعیه‌ای دادگاه انقلاب اسلامی شیراز را مورد حمله شدید قرار داد و آن را حامی فتوادل‌ها و خان‌ها معرفی کرد.

کار دفاع از خوانین و فتوادل‌های منطقه فارس به آنجا کشیده است که رئیس جمهور بنی صدر، در مصاحبه رادیو - تلویزیونی روز جمعه سوم مرداد ماه، از گزارش مردمی که صدا و سیما جمهوری اسلامی از منطقه فارس و نقش ستمگرانه خوانین تهیه کرده بود، انتقاد کرد و آن را اقدامی علیه خود خواند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "اکثریت" بار دیگر ضمن حمایت قاطع از مبارزه علیه خوانین و فتوادل‌های منطقه، از تمامی نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه منطقه می‌خواهد که با پیشبرد مبارزه علیه خوانین و فتوادل‌های منطقه و دفاع از منافع دهقانان و

در صفحه ۱۹

براساس اطلاعاتی که در دست داریم خوانین بختیاری علیه انقلاب ایران مشغول سازماندهی جدیدی هستند. شبکه‌ای که خوانین فارس در درون آن سازمان یافته‌اند، بخشی از شبکه سرتاسری ضد انقلاب است که توسط بختیار-اویسی رهبری می‌شود.

مزدوران مسلحی که توسط خوانین فارس سازمان یافته‌اند، هم اکنون در منطقه به سرکوب دهقانان و عشایر زحمتکش فارس که خواهان مبارزه پیگیر با خوانین و فتوادل‌های منطقه هستند، مشغولند. در بسیاری از این درگیری‌ها، سپاه پاسداران از دهقانان و عشایر فارس جانبداری کرده و علیه خوانین اقدام کرده است.

در این میان روحانیون متنفع منطقه جانب فتوادل‌ها و خوانین را گرفته و آشکارا علیه پاسداران و زحمتکشان منطقه اقدام می‌کنند. دادگاه انقلاب شیراز که زیر نفوذ روحانیون طرفدار خوانین و فتوادل‌هاست، به سود خوانین و فتوادل‌ها حکم صادر کرده و به وسیله‌ای

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر